



آغاز صف‌بندی‌های انتخاباتی در جمهوری اسلامی



حمید بقایی

سعید جلیلی

ابراهیم ریسی

حسن روحانی

● اصلاح طلبان و لابی‌گران جمهوری اسلامی با تقلیل آمریکا به «ترامپ» می‌خواهند اشتباه محاسباتی خود در شکست هیلاری کلینتون را جبران کنند.
 ● در حال حاضر حسن روحانی، ابراهیم ریسی، سعید جلیلی و حمید بقایی نام‌های مطرح به عنوان نامزدهای انتخابات ۹۶ هستند.

سرویس سیاسی کیهان:
 دوازدهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، ۲۹ اردیبهشت ۹۶ که «خودی و ناخودی‌های نظام» را با وسواس جدا می‌کند، انتخاباتی آزاد و عادلانه و دموکراتیک نیست، اما به نظر می‌رسد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی پیش رو به دلیل شکاف میان جریان‌های درون نظام، صف‌بندی‌های جدیدی را به همراه داشته باشد. گمانه‌زنی درباره نامزدهای احتمالی در روزهای گذشته جدی شده و ...
تفسیر سیاسی هفته رادر صفحه ۲ بخوانید

سر مقاله ایرانی، جنس ایرانی بخر! ولی از کجا؟!

از اواخر دهه‌ی چهل خورشیدی که صنایع نوپای ایران مسیر رشد در پیش گرفته بودند و تولیدات داخلی با کیفیت مرغوب حتی به خارج از مرزهای ایران صادر می‌شد، فراخوان «ایرانی، جنس ایرانی بخر!» برای تقویت تولید داخلی و اقتصاد ملی یک شعار عملی بود. ایرانیان می‌توانستند از کالاهای مصرفی روزانه تا بسیاری محصولات صنعتی را که تولید کارخانجات داخلی بودند تهیه کنند.
 شهرهای کاری و صنعتی مانند شاهی، بهشهر، رشت، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، اهواز، آبادان، اراک، و خود تهران به سوی شرق و غرب پر از کارخانجات معروف مانند ایران ناسیونال و ارج و آزمایش و مینو و کفش ملی و بلا و تولیدات مرغوب نساجی و... بود. در زمینه‌ی کشاورزی و دامپروری نیز با وجود تناقضاتی که به دلیل گسترش شهرنشینی و پدیده‌ی فرار از روستا پیش آمده بود، ایران قادر به تأمین نیازهای خود بود. اما سال‌هاست ایران در شرایطی بسر می‌برد که نمی‌تواند از تولید ملی و داخلی سخن گفت. سیاست‌های اقتصادی به شدت ویران کننده، اقتصاد ایران را از حالت مولد به بازار انگلی و وارداتی تبدیل کرده است. کارخانجات مهم آن دوران یکی یکی ورشکسته و تعطیل شدند و یا با ظرفیتی که تفاوتی با تعطیلی ندارد، به سختی نفس می‌کشند. بازار ملی ایران با اجناس بنجل به ویژه از کشور چین پر شده است. در چنین شرایطی، از تولیدکنندگان کوچک است که اقداماتی در زمینه تقویت تولید داخلی دیده می‌شود. آن شعار دهه‌ی پنجاه خورشیدی که خطابش به مصرف‌کنندگان بود، امروز به شکل دیگری از زبان تولیدکنندگان داخلی شنیده می‌شود که با هزار مشکل و محدودیت در زمینه‌ی کسب و کار خود روبرو هستند.
 «با افتخار فقط جنس ایرانی می‌فروشیم» ابتکار اتحادیه‌ی کفشان تبریز است که علاوه بر مشکلات رایج اقتصادی، با قاچاق کالا از کشورهای همسایه نیز باید رقابت و در واقع مبارزه کند. صنایع کفافی تبریز که زمانی نام آور تولیدات داخلی بود، سال‌هاست با واردات بی‌رویه و قاچاق دچار رکود و در مواردی ورشکستگی شده است. ابتکار چهارصد فروشگاه کفش در تبریز که فقط به عرضه‌ی تولیدات داخلی می‌پردازند، می‌بایست مشوق خانواده‌های ایران نیز باشد تا حیات تولیدات داخلی را به دلیل ارزانی و یا مارک خارجی داشتن با واردات بنجل و یا قاچاق تاخت نزنند. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، نیز البته با شعار «اقتصاد مقاومتی» که کشور را به این فلاکت نشانده، «کمپین خبری برای خرید کالای ایرانی» در شب عید راه انداخته تا با معرفی کالاهای ایرانی، مصرف‌کنندگان را تشویق به خرید تولیدات داخلی کند. اما اگر تولیدکنندگان خرد مانند کفشان تبریز و صنایع دیگر، برای نجات اقتصاد ملی کشور با ابتکارات خود به میدان می‌آیند، ایرنا و رسانه‌های مشابه باید نخست به مردم نشانی بدهند که «کالای ایرانی» را از کجا بخرند؟! از کارخانجاتی که ورشکسته و تعطیل شده و کارگران‌شان ماه‌هاست حقوق نگرفته‌اند؟!

دومین اسکار اصغر فرهادی، فرصتی که از دست رفت



دومین جایزه اسکار اصغر فرهادی بدون شک واقعه سینمایی بسیار مهمی است. در بخش فیلم به زبان غیرانگلیسی تنها پنج کارگردان دیگر توانسته بودند در گذشته بیش از یک اسکار به دست آورند. در راس این فهرست نام دو استاد جهانی سینما یعنی فدریکو فلینی و ویتوریو دسیکا، که هر دو ایتالیایی هستند دیده می‌شود. اینگمار برگمن سویدی با سه جایزه اسکار، رنه کلمان فرانسوی و آکیرا کوروساوا از ژاپن، هر کدام با دو اسکار، دیگر کارگردانان این فهرست کوتاه هستند.

سپاه پس از رفسنجانی به دنبال قدرت انحصاری است

در این شماره می‌خوانید:
 صفحه ۳
 ● جمهوری اسلامی ایران در حال سقوط آزاد
 صفحه ۴
 ● درباره توافقنامه تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و کانادا
 صفحه ۵
 ● شکلات خارجی در زندان اوین!
 ● تک مضراب! - آوازه
 صفحه ۶
 ● شهبانو فرح: برای گشودن درهای ایران به سوی غرب بیش از فقط یک پیکاسو نیاز هست
 صفحه ۷
 ● پیدا کنید «فروشنده» را!
 اسکار دمکرات‌ها علیه
 صفحه ۱۳
 ● جمهوری خواهان - الاهی بقراط
 صفحات ۸ و ۹
 ● «زن روز» و «مرد روز»
 صفحه ۱۲
 ● دوقرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۹) - احمد احرار
 ● رستگاری در روانپارگی - داریوش همایون
 صفحه ۱۳
 ● سرگرمی - جدول - سودوکو
 صفحه ۱۴
 ● حاجی بابا اصفهانی در انگلستان (بخش پایانی)
 صفحه ۱۵
 ● رعایت حقوق بشر نیاز به حاکمیت قانون دارد

فوتسال ایران ششم جهان اول آسیا

زنان کشتی گیر ایران می‌توانند با لباس اسکی کشتی بگیرند
 نابغه باخت، رافا و مرد آهنی و سر اندی برنده شدند
 شهادت مایکل فلیس قهرمان شنای جهان در کنگره آمریکا درباره دوپینگ
 دوازده سال زندان برای پسر «پله»
 یک دوازده ساله دیگر خود را حلق آویز کرد
 تازه‌ترین خودکشی با پرتاب از روی پل اتوبان به علت فقر
 در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684 Fax: 0044(0)20 3633 3685
شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:
کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید
 www.kayhan.london email: ads@kayhan.london

کیهان
 KAYHAN LONDON
 NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
 وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
 www.kayhan.london

دومین اسکار اصغر فرهادی، فرصتی که از دست رفت



گویی این جایزه را به خودم دادند». بهروز وثوقی که سال‌ها است در شهر اسکار یعنی لس‌آنجلس زندگی می‌کند، به پیام کوتاهی که اصغر فرهادی برای این مراسم فرستاد، که در آن حتی گذرا نیز به شرایط ایران، سانسور و خفقتان در این کشور اشاره نشده بود، انتقادی ندارد و در همان گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید این کارگردان قبلا در نامه‌ای خطاب به حسن روحانی از شرایط گورخواب‌ها و فقر در کشور انتقاد کرده بود. یک هنرمند ایرانی دیگر، که او هم در لس‌آنجلس سکونت دارد و در فیلم‌های کارگردانان غیر ایرانی و سریال‌های تلویزیونی آمریکایی حضور فعالی دارد، نظر دیگری دارد.

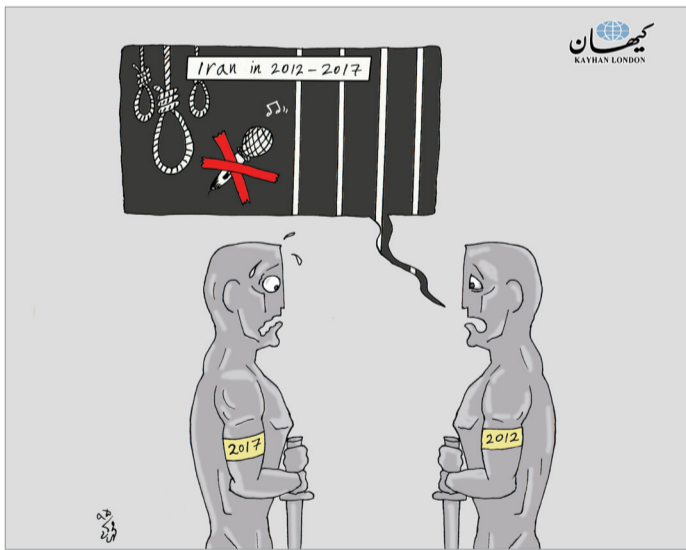
فریبرز داوودیان می‌گوید: «اصغر فرهادی که در پیام‌اش تنها از سیاست‌های دونالد ترامپ انتقاد کرد، گویی در کشوری زندگی و کار می‌کند که بهشت برین است، هنرمندان تحت فشار قرار ندارند و سانسوری هم در کار نیست». جعفر پناهی، کارگردان شناخته‌شده ایران که کار ممنوع است و حکم زندانی طولانی بر شانه‌اش سنگینی می‌کند، در پیام تبریکی که برای اصغر فرهادی، بدون نام بردن از این کارگردان و اشاره مستقیم به پیام‌اش برای مراسم اسکار، انتقاد مشابهی را مطرح می‌کند.

دومین جایزه اسکار اصغر فرهادی بدون شک واقعه سینمایی بسیار مهمی است. در بخش فیلم به زبان غیرانگلیسی تنها پنج کارگردان دیگر توانسته بودند در گذشته بیش از یک اسکار به دست آورند. در راس این فهرست نام دو استاد جهانی سینما یعنی فدریکو فلیینی و ویتوریو سیکیا، که هر دو ایتالیایی هستند دیده می‌شود. اینگمار برگمن سویدی با سه جایزه اسکار، رنه کلیمان فرانسوی و آکیرا کوروساوا از ژاپن، هر کدام با دو اسکار، دیگر کارگردانان این فهرست کوتاه هستند.

البته این اسکار دوم اصغر فرهادی، مانند بسیاری دیگر از اتفاقاتی که در ایران می‌افتد و یا به نوعی با ایران در رابطه هستند، کاربردان ایرانی شبکه‌های اجتماعی، و شاید بخشی از مردم کشور را به دو دسته تقسیم کرد. برخی اسکار برای «فروشنده» را پیروزی «ملت ایران» خواندند و در این جهت تا جایی پیش رفتند که منتقدین به این فیلم یا کارگردان آن را متهم «به دشمنی با وطن» کردند، و برخی از منتقدین هم در پاسخ شادی طرفداران اصغر فرهادی و اسکار دوم‌اش را مصداق همراهی با جمهوری اسلامی و «بزک» چهره نظامی خواندند که در هیچ زمینه‌ای، از جمله سانسور و سرکوب هنرمندان، کارنامه قابل‌ارزایی ندارد.

ذوق زندگی و اسطوره‌سازی

در رابطه با بحث‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی و در خارج از آنها در جریان است، می‌توان به چند مساله اشاره



می‌تواند برای مدیران سینمایی و دیگر مدیریت‌ها سازنده باشد فضای آزادانه برای نقل دغدغه هنرمندان است. همه ما شاهد بودیم در مراسمی که اخبارش به صورت زنده به دنیا مخابره می‌شد چقدر هنرمندان در یک جمع هنرمندانه اعتراض‌شان را نسبت به آنچه خواسته جامعه هنری نیست نشان دادند. هنرمند وقتی به مساله‌ای واقف می‌شود وظیفه و رسالت خود می‌داند که آن را ابلاغ کند. فضای انتقادی که علیه سیاست‌های ترامپ در مراسم اسکار شکل گرفت نشان دهنده ظرفیت یک کشور است که پذیرفته است هنرمندان جزو قشر آگاه جامعه هستند و مسولیت خود می‌دانند که دغدغه‌های جمعی را مطرح می‌کنند. اسکار پیامی برای تمام مدیران دنیاست که خود را مرکز محور جهان ندانند و بسته نگاه کردن را کنار بگذارند اگر نه انباشتنی این دکم‌اندیشی روزی جایی سرریز می‌شود که جلوی آن رانمی‌توان گرفت.»

اصغر فرهادی با وجود اینکه هرگونه مشکلی بر سر راه حضور او در مراسم اسکار رفع شده بود، از آنجا که پیش

کرد. مساله اول «شادی» بیش از حد بسیاری از انتخاب «فروشنده» به عنوان بهترین فیلم به زبان غیرانگلیسی از سوی آکادمی اسکار است. بسیاری از «ذوق‌زدگان» فیلم اصغر فرهادی را ندیده‌اند و خوشحالی آنها به خاطر فیلمی که به آن علاقمند هستند، نیست. برخی از روان‌شناسان این «ذوق زدگی» و «اسطوره‌سازی» از یک فیلم و یک کارگردان را از علایم «نارضایی» مردم از نظام و وضعیت کنونی کشور می‌دانند. البته تا حدی این نظریه می‌تواند با واقعیت تطبیق داشته باشد. در تاریخ اسکار و دیگر جوایز بین‌المللی این گونه «ذوق زدگی»‌ها رایج نیست. حتی زمانی که در پایان جنگی خونین، فیلمی از بوسنی با عنوان «سرزمین هیرچکس» که طنزی بسیار زیبا درباره جنگ بود، همین جایزه را به دست آورد، مردم این کشور واکنشی می‌تواند با واقعیت تطبیق داشته باشد. در تاریخ اسکار و دیگر جوایز بین‌المللی این گونه «ذوق زدگی»‌ها رایج نیست. حتی زمانی که در پایان جنگی خونین، فیلمی از بوسنی با عنوان «سرزمین هیرچکس» که طنزی بسیار زیبا درباره جنگ بود، همین جایزه را به دست آورد، مردم این کشور واکنشی می‌تواند با واقعیت تطبیق داشته باشد. اگرچه بسیاری بحق خوشحال بودند.

از جمله «ذوق‌زدگان» می‌توان به بهروز وثوقی، هنرپیشه نامدار ایران اشاره کرد که در گفتگویی با کیهان لندن می‌گوید: «آنقدر خوشحال شدم که

آغاز صف‌بندی‌های انتخاباتی در جمهوری اسلامی

- اصلاح طلبان و لابی‌گران جمهوری اسلامی با تقلیل آمریکا به «ترامپ» می‌خواهند اشتباه محاسباتی خود در شکست هیلاری کلینتون را جبران کنند.
- در حال حاضر حسن روحانی، ابراهیم ریسی، سعید جلیلی و حمید بقایی نام‌های مطرح به عنوان نامزدهای انتخابات ۹۶ هستند.

خود نشان دهد. همین پیوند خط‌سبب شد تا شکست کلینتون به شکست آنها نیز تبدیل شود. حال هم دمکرات‌ها و هم لابی اصلاح‌طلب رژیم در آمریکا تلاش دارند، این شکست حزبی را با غیرقابل اعتماد جلوه دادن آمریکای ترامپ، جبران کنند. فشار روانی حاصل از محاسبه اشتباه، اصلاح‌طلبان را واداشته است که با بهانه کردن خطر ترامپ، «آشتی ملی» را طرح کنند. به بیان دیگر آنها می‌کوشند، حمله به ترامپ را تبدیل به حمله به آمریکا کرده و از این امریکاستیزی، بنیبه و سرمایه‌های برای نزدیک شدن به هرم قدرت در جمهوری اسلامی دست و پا کنند. در مقابل اما، آیت‌الله خامنه‌ای که حوادث ۸۸ را انقلاب رنگی می‌داند، به طرح آشتی ملی اصلاح‌طلبان، که چیزی جز تقاضای بازی گرفتن آنها در ساختار قدرت نظام جمهوری اسلامی نیست، با بی‌مهری پاسخ داد. اگرچه به نظر می‌رسد رهبر جمهوری اسلامی بر این باور است که برای حل مشکلات داخلی و همچنین برای مقابله با تهدید ترامپ، به هم‌پیمانی خاتمی و اصلاح‌طلبان نیازی ندارد، اما این امکان که وی به دلیل شرایط موجود و برای گرم کردن بازار انتخابات، خودش منادی «آشتی ملی» شود، هیچ منتفی نیست.

اکنون به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان که شانس داشتن نامزد شاخص در انتخابات اردیبهشت را به صفر نزدیک می‌دانند، در هفته‌های باقیمانده تا انتخابات، همراه روحانی و تیم جنگ روانی وی خواهند بود و می‌کوشند از خطر ترامپ و دو قطبی «صلح و جنگ» و همچنین برجسته کردن رفع حصر میرحسین موسوی و کروی برای جذب آرا به سود خود بهره ببرند.

«جمنا»، تلاش برای رفع آفت

اصولگرایان در سال‌های گذشته نتوانسته‌اند جمع‌بندی مشخص و واحدی در مورد نامزد مورد حمایت خود در انتخابات ریاست جمهوری داشته باشند. اکنون گروهی از آنها دور هم گردآمده و جبهه نیروهای مردمی انقلاب اسلامی، را پدید آورده‌اند.

بر خلاف نام این جبهه، تشکیل آن یا اهدافی که پیگیری می‌کند، ربطی به مردم یا جنبه‌های ملی ندارد، بلکه گروهی از مقامات و چهره‌های درون نظام هستند که خود را «مردم» نامیده‌اند. آنها می‌گویند علت شکست اصولگراها در انتخابات ریاست جمهوری قبلی، تعدد کاندیدای اصولگرا و تقسیم آرا بوده است. اصولگرایان با این ارزیابی، می‌کوشند با معرفی کاندیدای واحد از این آفت ایمن شوند. تصور اصولگرایان این است که کارنامه منفی حسن روحانی، پایگاه آرای آنها را می‌سازد. آنها بر این باور هستند که وضعیت اقتصادی و معیشت مردم، شکست برجام و برآورده نشدن وعده‌های روحانی، دولت مستقر را در وضعیت ضعیف قرار داده، بنابراین با حمله به فساد موجود در اطرافیان رئیس‌جمهوری، مدیران نجومی‌بگیر، کرسنت و وزیران میلیاردر، و حتی بحران ریزگردها در خوزستان می‌توانند با شماره‌های اقتصادی، ضربات کاری و اساسی به روحانی وارد کنند و او را در نبرد انتخاباتی شکست دهند. آنها برای معرفی کاندیدای خود مکلیسمی داخلی

دوازدهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، ۲۹ اردیبهشت ۹۶ برگزار می‌شود. هر چند انتخابات در نظام سیاسی حاکم بر ایران، با توجه به نظرات استصوابی و فیلتر شورای نگهبان که «خودی و ناخودی‌های نظام» را با وسواس جدا می‌کند، انتخاباتی آزاد و عادلانه و دموکراتیک نیست، اما به نظر می‌رسد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی پیش رو به دلیل شکاف میان جریان‌های درون نظام، صف‌بندی‌های جدیدی را به همراه داشته باشد. گمانه‌زنی درباره نامزدهای احتمالی در روزهای گذشته جدی شده و جریان‌های مختلف درون نظام، به شکل علنی و شفاف وارد فاز انتخابات شده‌اند تا با اظهارنظرها، انتقادهای وعده‌های مختلف تنور انتخابات ریاست جمهوری را به نفع خود داغ کنند. در ادامه با نگاهی به آرایش جریان‌های مختلف برای انتخابات ریاست جمهوری، نامزدهای احتمالی هر جریان و شانس پیروزی آنها را بررسی می‌کنیم.

وعده‌های بی‌عمل بزرگ‌ترین رقیب روحانی

یکی از کسانی که به عنوان نامزد صد‌صدی انتخابات ریاست جمهوری اردیبهشت‌ماه از او نام برده می‌شود، حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس دولت «تدبیر و امید» است. حسن روحانی پس از چالش‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ برای نظام و مهادی که در زمان دولت محمود احمدی‌نژاد داشت کم‌کم از دست نظام خارج می‌شد، و همچنین به سرانجام رساندن معامله اتمی، با چراغ سبز رهبر جمهوری اسلامی، وارد گود رقابت‌های انتخاباتی شد. حسن روحانی با تلاش و تبلیغاتی که برخی جریان‌های امنیتی درون نظام برای او به کار بستند، و همچنین با وعده‌هایی مانند داشتن «راه‌حل‌های صدروزه برای مشکلات کشور» و با توجه به نبود رقیبی جدی، پس از خرابکاری‌های گسترده‌ی دو دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، توانست بر کرسی ریاست قوه مجریه جلوس کند و برای مقابله با هرگونه تهدیدی علیه نظام، امنیتی‌ترین دولت تاریخچه جمهوری اسلامی را تشکیل دهد. در حال حاضر با اینکه دولت روحانی نتوانسته به وعده‌های مختلفی که داده عمل کند ولی به نظر می‌رسد در انتخابات پیش رو بتواند به آرای اصلاح‌طلبان و حمایت آشکار چهره‌ها و جریان‌های این جناح و تشکیلات متصل به هاشمی رفسنجانی مانند کارگزاران امیدوار باشد.

یکی از مسائلی که حسن روحانی امروز با آن روبروست همان وعده‌های بی‌عمل‌اش است که بزرگ‌ترین رقیب او در انتخابات پیش‌رو خواهند بود. از سوی دیگر دولت روحانی در یک محاسبه اشتباه، گمان می‌کرد پس از امضای برجام و واگذاری همه امتیازات به آمریکا، بتواند با اتحادی پشت پرده با حزب موکرات آمریکا، امتیازات مختلف اقتصادی از آمریکا دریافت کند و مشروعیت خود را در میان مردم افزایش دهد. اما با پیروزی جمهوری خواهان و دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، هر آنچه روحانی رسته بود، پنبه شد و نه تنها امروز چرخ سانتریفیوژها نمی‌چرخد بلکه چرخ اقتصاد هم بدتر از سال‌های گذشته قفل شده است. برجام دو سال پس از امضا و یک سال پس از آغاز اجرای آن، هنوز کمی به روحانی نکرده است.

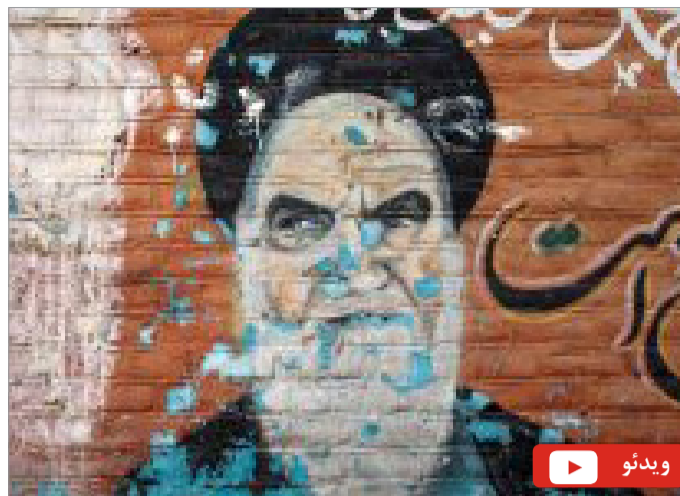
محاسبه اشتباه اصلاح‌طلبان در انتخابات آمریکا

اصلاح‌طلبان نیز که بیش از یک دهه است با اشاره سرانگشت رهبر جمهوری اسلامی، از بدنه قدرت حذف شده‌اند، با تمام قوا، تلاش دارند به بازی بازگردند. آنها در محاسبات روحانی درباره آمریکا، در کنار وی بودند و حتی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، تیم اصلاحات همپای نایاک، از کمپین هیلاری کلینتون پشتیبانی کرد و هم‌زمان کوشید پیروزی هیلاری را، پیروزی معرفی کاندیدای خود مکلیسمی داخلی



روشنک آسترکی

جمهوری اسلامی ایران در حال سقوط آزاد



«برای دیدن ویدئو روی عکس کلیک نموده و به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

● آمریکایی‌ها مهارت خاصی دارند که وقتی نظام ایران با بحران روبرو می‌شود با تهدیدهای خود و صحبت از حمایت تهران از تروریسم در واقع یک تور ایمنی برای رژیم ایجاد کنند.

● وقتی خاتمی صحبت از «آشتی ملی» می‌کند به این علت است که فکر می‌کند یک دشمن خارجی به وجود آمده که ما باید در برابر آن وحدت ایجاد کنیم.

● در سی و چند سال گذشته اپوزیسیون خارج از کشور در جلب توجه دنیا به ایران و تضعیف رژیم موفق نبوده.

● خوشبختانه فشارهای خارجی طوری شده که وضعیت داخلی رژیم تضعیف شده و مردم باید به فکر ایران بعد از رژیم اسلامی باشند.

● دعوت شاهزاده رضا پهلوی از دولت ترامپ برای گفتگو با اپوزیسیون دموکراتیک ایران فکر خوبی است.

● «اتحاد برای دموکراسی در ایران» بعد از جلسه ماه مارس خود پیشنهاداتی به دولت ترامپ عرضه خواهد کرد.

حملات لفظی دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی ادامه دارد.

رییس جمهوری آمریکا روز ۱۶ فوریه در کنفرانس خبری در کاخ سفید گفت در تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران که کاملاً از دولت پیشین ما سوء استفاده کرد اعمال کردیم. آنها حامی اصلی تروریسم هستند و تا زمانی که این مشکل به درستی حل نشود دست از کار نخواهیم کشید. پرزیدنت ترامپ همچنین برجام را یک بار دیگر به باد حمله گرفت و گفت این یکی از بدترین توافق‌هایی است که تا کنون تنظیم شده است.

از سوی دیگر در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ جواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران،

آمریکا را از اعزام نیروی زمینی به سوریه برحذر داشت و گفت این اقدام به افراط‌گری در منطقه دامن خواهد زد. آقای ظریف در عین حال تأکید کرد با وجود سر و صداهای دولت ترامپ علیه برجام این توافق که بین ایران آمریکا و ۴ قدرت دیگر حاصل شد به قوت خود باقی خواهد ماند آیا آمریکا و ایران در مسیر تقابل نظامی گام برمی‌دارند؟

بیژن فرهودی این پرسش و نیز موضوع تلاش اپوزیسیون ایران در خارج از کشور برای جلب حمایت دولت ترامپ در مبارزه با جمهوری اسلامی را جواد خادم وزیر پیشین و از بنیانگذاران تشکل «اتحاد برای دموکراسی در ایران» مورد بررسی قرار داده است.

فرمانده نیروی دریایی: به دنبال اعزام ناو به

قزاقستان، روسیه و چین هستیم



نیروی دریایی ایران در سال ۲۰۱۶ ماموریت‌هایی به اقیانوس اطلس داشت

تنگه‌ی باب‌المندب و اقیانوس هند نیز گفت: «این منطقه نزدیک به یک سوم تجارت جهانی و حدود ۹۰ درصد تجارت ایران انجام می‌گیرد و نیروی دریایی باید برای برقراری امنیت در این منطقه همواره در حال گشت‌زنی باشد، از زمانی که مسئله دزدی دریایی در خلیج عدن اتفاق افتاد ما از سال ۸۷ تا امروز حضور مستمری در این منطقه داشته‌ایم و توانسته‌ایم ۱۸۵۰ کشتی ایرانی را در این منطقه اسکورت کرده و به کشتی‌های ۲۵ کشور جهان هم کمک کنیم.»

او افزود: «سواحل مکران به دلیل آنکه به آب‌های آزاد جهان دسترسی دارد مهم‌ترین سواحل کشور است، بر همین اساس مقام معظم رهبری در سال ۸۶ حضور در دریای عمان پیاده شده‌اند.»

وی در پایان خاطرنشان کرد: «امروز نیروی دریایی ارتش در کنار نیروی دریایی سپاه و سایر نیروهای مسلح به این توانمندی رسیده است که امنیت را در سواحل جمهوری اسلامی به وجود بیاورد.»

فرماندهی نیروی دریای رژیم در حالی از همکاری با سپاه صحبت می‌کند که به گفته‌ی فرماندهان ارشد نیروی دریایی سپاه، اصلی‌ترین استراتژی آنها در خلیج فارس استفاده از قایق‌های تندروی انتحاری و پهپادهای انتحاری است که به طور کل با شعار نیروی دریایی راهبردی و مدرن که ارتش به دنبال آن است همخوانی ندارد.

● آخرین رزمایش نیروی دریایی ارتش در آب‌های خلیج فارس و اقیانوس هند آغاز شد

● سیاری می‌گوید، اوایل سال ۲۰۱۸ حدود ۴۰ تیم از کشورهای مختلف جهان به ایران سفر می‌کنند

● ضعف همکاری ارتش و سپاه در دریا چه خواهد بود؟

با اعلام فرماندهی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی رزمایش «ولایت ۹۵» در محدوده‌ای به وسعت دو میلیون کیلومتر مربع از تنگه هرمز و دریای عمان تا شمال اقیانوس هند و تنگه باب‌المندب از صبح یکشنبه هشتم اسفند آغاز شد.

حبیب‌الله سیاری، فرماندهی نیروی دریایی در حاشیه‌ی این رزمایش ابراز امیدواری کرده در آینده‌ی نزدیک ناوهایی از ایران به کشورهای قزاقستان، روسیه و چین اعزام شود.

او با اشاره به ساخت دو ناوشکن جماران و سه‌سند اعلام کرد که در آینده‌ی نزدیک از ناوشکن سه‌سند هم رونمایی خواهد شد که به گفته‌ی این مقام نظامی، پیشرفته‌ترین ناوشکن نیروی دریایی جمهوری اسلامی خواهد بود؛ با این حال فقط توان بیشتری در حمل‌هلی‌کوپتر خواهد داشت.

سیاری در توجیه علت حضور در



حبیب‌الله سیاری فرمانده نیروی دریایی فرمانده

معاون دبیر کل سازمان ملل:

مرکز گرد و غبار خوزستان در دست داعش است

ملل، همکاری دولت ژاپن در این موضوع تشکر کرد.

سولهایم بر حفاظت از پلنگ آسیایی نیز تأکید کرد که ۱۰۰ قلابه از این نوع پلنگ در ایران وجود دارد و گونه‌ای در حال انقراض است. وی گفت، این حفاظت باید همان گونه صورت گیرد که دولت چین از پانداها حفاظت می‌کند به این صورت که آنها را با کنترل و حفاظت در طبیعت رها کرد. وی به این نکته اشاره کرد که باید به ایران در خصوص حفاظت از پلنگ آسیایی مشاوره داد و از اقداماتی که در این جهت می‌شود حمایت کرد.

معاون دبیر کل سازمان ملل همچنین «ایجاد اعتماد بین ملت‌های مختلف» را راهکار حل بحران آب در خاورمیانه و کم کردن تنش‌ها در زمینه‌ی آب دانسته و تأکید کرده که ملت‌ها باید بتوانند منابع آب را با یکدیگر مدیریت کنند

وی گفته، کشورها باید بتوانند با یکدیگر منابع فرامرزی چون حوزه‌های آبریز رودخانه‌ها و تالاب‌ها را مدیریت کنند؛ به طور مثال ایران و عراق تالاب‌های مشترک دارند و رودخانه‌های فرامرزی در خاورمیانه وجود دارد.

سولهایم تأکید کرده سازمان ملل نیز می‌تواند ملت‌ها را برای جلوگیری از مناقشات منابع آب مدیریت کند.

در روزهای گذشته بحث آلودگی هوای خوزستان و بحران ریزگردها، حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، چیت‌چیان وزیر نیرو و معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست را به اهواز کشاند تا فکری برای وضعیت بحرانی این استان کنند.

معاون دبیر کل و رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل تأکید کرده که این سازمان جهانی می‌تواند بهترین تخصص‌های جهانی را ارائه دهد و زمینه همکاری سایر دولت‌ها برای حل این مسئله را فراهم کند.

سولهایم گفته، مرکز توفان غبار در دست داعش است و داعش حتی از محیط زیست برای جنگ استفاده می‌کند؛ بنابراین باید داعش را شکست داد.

به نوشته‌ی ایسنا، سولهایم با بیان اینکه ایران اراده‌ی راسخ برای حل مشکلات زیست محیطی دارد، «دریاچه اورمیه» را اولویت مهم سازمان ملل متحد و دولت ایران خوانده است.

رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل دریاچه اورمیه را با داشتن ۵۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت در طول تاریخ، یکی از بزرگترین دریاچه‌ها دانسته و تأکید کرده که این دریاچه در حال حاضر یک دهم سطح واقعی خود ذخیره آب دارد.

ایسنا نوشته است، وی با اشاره به بازدید اخیرش از دریاچه اورمیه گفته، این دریاچه پیشرفت خوب و قابل توجهی داشته است؛ سولهایم اضافه کرده با حمایت‌های حسن روحانی تلاش‌های خوبی برای احیای این دریاچه صورت گرفته.

رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل با بیان اینکه «کشور ایران حیات وحش متنوعی دارد» تأکید کرد گفت که این حیات روز به روز کوچک‌تر می‌شود و باید از گونه‌های حیات وحش حفاظت کرد.

وی همچنین از تلاش‌های سازمان

معاون دبیر کل و رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل ضمن اعلام حمایت از دولت ایران برای حل مشکلات خوزستان، مراکز توفان غبار را در دست داعش خواند و گفت که داعش از محیط زیست حتی برای جنگ استفاده می‌کند.

به گزارش ایسنا، اریک سولهایم معاون دبیر کل سازمان ملل متحد در یک نشست خبری گفته، ایران چالش‌های زیست محیطی گسترده‌ای همچون گرد و غبار، انقراض گونه‌ها و بحران‌های آبی دارد، اما دارای دولتی است که خودش را در رسیدگی به مسائل مسئول می‌داند.

معاون دبیر کل سازمان ملل متحد با بیان اینکه نتوانسته شخصاً به خوزستان سفر کند ولی مشکلات مردم این استان را از طریق رسانه‌های پیگیری کرده، اعلام کرد، قطعاً دولت ایران برای حل مشکلات خوزستان حمایت می‌کنیم. وی اضافه کرد که مسئله خوزستان در جهان مطرح شده و راهکارهایی برای مدیریت مشکلات خوزستان ارائه شده است.

سولهایم «مدیریت تالاب‌ها و منابع آبی و درختکاری» را راه حلی برای مشکلات گرد و غبار دانسته و گفته، بخشی از غبارها از کشورهای همسایه و مجاور ایران به خوزستان وارد می‌شود و هیچ کشوری با تلاش‌های خود به تنهایی نمی‌تواند مشکل گرد و غبار را حل کند و به کمک جامعه جهانی نیاز دارد.

وی سازمان ملل متحد را بازیگر کوچکی در مبارزه با گرد و غبار دانسته و تأکید کرده که بازیگران اصلی این مبارزه، دولت‌ها هستند.

نام عراق از لیست کشورهای ممنوعه فرمان

مهاجرتی ترامپ حذف می‌شود



● به گزارش منابع آگاه در آمریکا، در دستور جدید ترامپ، ممنوعیت ورود اتباع هفت کشور ممنوعه که دارای روادید و کارت سبز هستند، نیز حذف شده است.

● در فرمان قبلی برای اقلیت‌های مذهبی ۷ کشور ورود ممنوع به آمریکا، استثناء وجود داشت. در فرمان جدید این بند نیز حذف شده است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از منابع آگاه گزارش داد، در فرمان اجرایی جدید ترامپ، نام کشور عراق از فهرست کشورهایی که ورود اتباع آنها به آمریکا ممنوع می‌شود، حذف شده است.

چهار منبع آگاه که نخواهند نام شان فاش شود، اعلام کردند که بازنگری اخیر رییس جمهوری جدید آمریکا تحت فشارهای پنتاگون و وزارت امور خارجه صورت گرفته است. آنها از کاخ سفید درخواست کرده‌اند که در مورد کشور عراق باید به این نکته توجه کرد که این کشور نقش مهمی در مبارزه با گروه موسوم به گروه «دولت اسلامی» در منطقه دارد.

طبق فرمان جدید، ورود اتباع ۶ کشور عمدتاً مسلمان از جمله ایران، لیبی، سومالی، سوریه، سودان و یمن همچنان به ایالات متحده آمریکا به مدت ۹۰ روز ممنوع است. البته دادگاه ایالتی واشنگتن این فرمان را تعلیق کرده و دادگاه فدرال آمریکا نیز این تعلیق را تأیید کرده است.

مقامات آگاه همچنین گفته‌اند که تغییرات دیگری نیز در دستور جدید اعمال خواهد شد. به طوری که در فرمان قبلی برای اقلیت‌های مذهبی کشورهای نام برده استثناء وجود داشت، این در حالیست که در فرمان جدید این بند حذف شده است.

همچنین به گزارش آسوشیتدپرس، در نسخه بازنگری شده دستور رییس جمهوری آمریکا، ممنوعیت ۱۲۰ روزه برای پذیرش پناهجویان همچنان باقی مانده، با این تفاوت که تبعیض برای پناهجویان سوری که

دارالترجمه بین المللی شریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی

(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبایله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk

Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glen thorpe Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

بهر روز و ثوقی: فکر کردم خودم صاحب اسکار شدم



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

- زمانی که نام برنده اسکار بهترین فیلم خارجی اعلام شد از شدت خوشحالی می‌گریستم.
- پیروزی فرهادی را با فرستادن یک تکست به او تبریک گفتم.
- احساس کردم که خودم برنده اسکار شده‌ام.

موفقیت اصغر فرهادی در کسب جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی برای «فروشنده» روی هم‌رفته با واکنش مثبت ایرانیان در داخل و خارج کشور روبرو شده است.

در این میان عده‌ای نیز بر این باورند که فرهادی باید به جای انتخاب انوشه انصاری (مهندس و بنیانگذار یک شرکت مخابراتی) و فیروز نادری (دانشمند بازنشسته ناسا) به عنوان

نمایندگان خود در مراسم اعطای اسکار دو چهره سرشناس ایرانی در عرصه سینما را برای این منظور برمی‌گزید. یکی از چهره‌هایی که در این رابطه به نام وی اشاره می‌شود

بهر روز و ثوقی بازیگر پرآوازه سینمای ایران پیش از انقلاب است که در آمریکا زندگی می‌کند. بیژن فرهودی نظرات بهروز و ثوقی را در این زمینه جویا شده است.

شکلات خارجی در زندان اوین!



از راست: عزت مقبلی، حمید قنبری، شاهرخ نادری، آذر پژوهش، مورین، فخری خوروش، مهین بزرگی، علی تابش، نرگس، هوشنگ امیرفضلی

دانش آموز بند شدیم که ظاهراً دسته گلی به آب داده بودند. قضیه از این قرار بود که آنها متوجه وجود چند بسته شکلات سوغات لندن در وسایل



مینا انتظاری

خانم مهین بزرگی شده بودند و بعد از مدتی خویشن‌داری، سرانجام در مقابل وسوسه آن شکلات‌های خوشمزه طالت از کف داده و در یک فرصت مناسب، در یک عملیات «زاین هودی» مقداری از آن شکلات‌ها را مصادره و بین خود و بچه‌های دور و برشان تقسیم کرده بودند.

در واقع آن کارشان بیشتر جنبه بازیگوشی داشت و موجب خنده و تفریح‌شان شده بود تا رفع گرسنگی! البته وقتی ما متوجه موضوع شدیم به آنها انتقاد کردیم و توضیح دادیم که این کار، در شأن بچه‌های سیاسی نیست. به‌رحال آنها انتظار داشتند که خانم بزرگی خودش این کار را می‌کرد و چون نکرده بود پس وارد عمل شده بودند. به نظر می‌رسید شاید خانم بزرگی فکر می‌کرده که احياناً بیش از چند روز مهمان اوین نباشد و شاید هم تصور می‌کرده چگونه می‌شود دو سه بسته شکلات را بین آن تعداد زندانی تقسیم کرد؟! در‌حال این اتفاق تا مدت‌ها سوژه طنزی شده بود برای بچه‌های آن بند.

حقیقت این بود که در همان ایام و در همان بندهای معروف به آپارتمان‌ها، صدها زندانی سیاسی و دختران و زنان فدکاری حضور داشتند که سابقه فعالیت سیاسی و تشکیلاتی و حتی

تجربه زندان را در پرده خود داشتند. عزیزانی که هر روز و هر شب مجروح و شکنجه شده از اتاق‌های بازجویی به بند برمی‌گشتند و یا دسته دسته راهی جوخه‌های مرگ می‌شدند. در چنین شرایطی مهین خانم بزرگی بعد از بی‌تابی‌های اولیه، در کنار بقیه بچه‌های دربند و بخصوص مادران زندانی، با محیط جدید و زندان و بند، آشنایی پیدا کرد و به جمع بچه‌ها نزدیک شد و همگی تا وقت جایجایی زندانیان و جدایی‌های اجتناب‌ناپذیر با احترام کنار هم بودیم.

او به‌طور مثال شاهد بود که چگونه «مادر ذاکری» با شصت سال سن، اغلب اوقات روزه می‌گرفت و یک وعده غذای ناچیز خود را برای بچه‌هایی که برای بازجویی برده می‌شدند و شب با تنی مجروح و بدنی گرسنه باز می‌گشتند، به کناری می‌گذاشت.

البته دو سه ماه بعد مادر مجاهد «مادر ذاکری» با وجود سن بالا و بسیاری از همان زنان فرهیخته و دخترکان شجاع به دستور لاجوردی توسط جوخه‌های مرگ خمینی در پشت دیوار بند ما تیرباران شدند. هرچند بعد از تغییر بندها در اوین، من دیگر با خانم مهین بزرگی هم‌بند نبودم و اطلاع دقیقی از سرنوشت ایشان نداشتم ولی می‌دانم خوشبختانه مدتی بعد، سرانجام از بند و زندان رهید. من نیز بعد از رفتن به دادگاه چند دقیقه‌ای، در بهمن ماه سال شصت همراه با خیلی از همان «دوزخیان روی زمین» برای «تحمل کيفر» رهسپار زندان مخوف قزل‌حصار شدیم. در این عکس قدیمی که شامل تعدادی از هنرمندان پیش‌کسوت میهنمان است چهره زنده‌یاد خانم مهین بزرگی یک‌بار دیگر مرا به آن بند و آن سال‌های سیاه برد و خاطره آن شکلات‌های سوغاتی را در ذهن‌ام زنده کرد.

همچنین در این عکس حضور زنده‌یاد عزت‌الله مقبلی چهره ماندگار رادیو ایران و بازیگر تئاتر و سینما و دوبلور سرشناس کشورمان، بسیار خاطره‌انگیز است.

ادامه در صفحه ۱۵

تنگ مضراب!

آوازه



محمد رضا شاه پهلوی و اولین باغچه بان

درخت سرو بودم گنج بیشه...

هر سال نوروز که نزدیک می‌شود یاد ثمین و اولین چون لاله داغداری در سینه می‌روید. عشق غریبی به نوروز و مقدمات هیجان‌زای آن داشتند. نوروز خود گویی پیمان بستن است. پیمان برای عشق ورزیدن، دل به دل دادن. در شعر و موسیقی غرق شدن و چشم به آینده دوختن.

ثمین آن قدر چهارشنبه سوری را دوست می‌داشت که آن کسی را که باید بیاید در این روز بزرگ گردهمایی انتظار می‌کشید. ثمین ساده‌ترین ترانه‌ها را برای نوروز و چهارشنبه سوری آفریده است: بازم گل نرگس اومد تو خونه به کوچه آمده نعنای پونه بیازنگین کمون داریم دیگه نوروز تو راهه بیگل ریحون داریم دیگه نوروز تو راهه...

ثمین باور داشت که نوروز تو راهه. نوروز پر از لاله و ریحونه. اگر لاله در نیاد با اینها چه بکنیم. نوروز وقتی تو راه باشه دیگه نمی‌تونه نیادا! احساس ظریفی که در رگ‌های این ترانه ساده موج می‌زند، نوروز را واقعا واقعی می‌کند.

ثمین باغچه‌بان با همکاری همسرش اولین، چند سال پیش آخرین کار مشترک خود را که برای بچه‌ها ساخته شده بود آفتابی کردند و نام آن را «رنگین کمون» گذاشتند که نشانه نزدیک شدن نوروز است. ثمین و اولین در سال‌های پس از انقلاب تبعیدیان ناخواسته بودند. با وجود آنکه در آن زمان امکان اجرای این اثر نبود، توماس کریستیان داوید اتریشی رهبری ارکستر رادیو وین را در اجرای «رنگین کمون» برعهده گرفت.

مارد پای ثمین را گرفتیم تا به نشانی او در استانبول رسیدیم. می‌خواستیم ببینیم روزگارش چگونه می‌گذرد. قضیه را با بی بی سی مطرح کردیم. به همراه پوریا ماهرویان به نیت دیدار از ثمین و اولین، بار سفر بستیم و دو سه روزی در استانبول از فیض دیدار و

پیشگامان نوآوری

موسیقی سنتی ایران تا از گذرگاه مشروطه بگذرد و به روزگار ما برسد خطرهای زیادی را تجربه کرده است. می‌توان تصور کرد که موسیقی فاخری چنان که در دوره ساسانیان بود در عبور از قرون وسطا و حتی در دوره مدرن آزادی‌خواهی چه خون جگری خورده است. چه راه‌هایی رفته، چه تمهیداتی چیده تا در کشاکش ستیزه جویی‌ها و واپس‌گرایی‌ها سر پا بماند و بخش‌هایی از ارزش ذاتی خود را حفظ کند.

گذشته دور را رها می‌کنیم، در همین گذشته نزدیک و از مشروطه به این سو، و پس از یک دوره کوتاه نوگرایی و آزادی‌خواهی باز واپس‌گرایی سر بلند کرده بودند که زیر پرچم سنت و اصالت، آنچه را موسیقیدانان روشن‌اندیش رشته بودند، پنبه کنند. عامل مهمی که جلوی این کار را گرفت و سنت را در جای خود نشانده، آموزه‌های مکتب وزیری بود که با منطق و استدلال، دگرگونی‌های پیش آمده در عرصه موسیقی سنتی را توجیه می‌کرد.

این واکنش منطقی برای استمرار خود نیاز به پایگاهی داشت که همان هنرستان‌های موسیقی باشد. بر سر بنیاد همین هنرستان‌ها و شرح وظایف هر یک، نزدیک بود که اختلاف و تشتت هر دو را از میان بردارد. گروه سنتی‌ها هنرستان موسیقی ملی را که شکل گسترش یافته زمینه انجمن موسیقی ملی بود مطلقاً از آن خود می‌دانستند و موسیقیدانان

حرف‌های مخاطبان خود را در پاید. پدر پس از مدتی توانست کار را به نتیجه برساند و سمعی اختراع کرد که نام‌اش را گذاشت «تلفن گنگ». تجربیات ثمین در زمینه «تلفن گنگ» برای آینده او که با موسیقی سر و کار پیدا می‌کرد سخت سودمند افتاد. این آزمایش‌ها از یک سو، تار نوازی مادر از سوی دیگر، راه آشنایی با موسیقی را هموار می‌کرد. در نوجوانی سرودهای کودکانه می‌ساخت.

دبستان که تمام شد ثمین همه نیروی خود را در راه فراگیری موسیقی به کار گرفت. در سال ۱۳۱۷ وارد هنرستان عالی موسیقی شد. البته مشکلات بسیاری پیش پای خود داشت. از جمله پیانو و یولن را باید کنار می‌گذاشت چون سازهای گرانی بودند و خانواده نمی‌توانست بودجه‌اش را تامین کند. ثمین ناگزیر ساز سخت تکنیک و بی‌جاذبه‌ی کر را برای خود برگزید. ثمین در کلاس آهنگسازی پرویز محمود که تازه از بلژیک بازگشته بود به فراگیری‌های خود ادامه داد و در سال ۱۳۲۲ همراه با یکی از هم‌دوره‌هایش حسین ناصحی برای ادامه تحصیل به آنکارا سفر کرد و هفت سال بعد، پس از بازگشت به ایران به عنوان آهنگساز و استاد هنرستان موسیقی مشغول کار شد. سفر ترکیه ارمغان دیگری نیز برای او داشت. با همسر خود اولین در دانشگاه آنکارا آشنا شد و پیمان دوستی و همکاری با او که خواننده متسوسوپرانو بود و در پیانویز دستی داشت تا پایان عمر دوام پیدا کرد.

ادامه در صفحه ۱۵



غلامحسین بنان و حسین تهرانی

ریتیم‌های جاندار رسوب کرده در نغمه‌ها را بیرون کشید و با یاری ریتیم و حرکت جاذبه‌ای ناشناخته برای تنبک پدید آورد.

پوستی کشیده بر چوب

دیشب که در جستجوی سالروزهای اسفندماه به تقویم نگاه می‌کردم، این هر دو را کنار هم دیدم. تهرانی هفتم اسفند ۵۲ و بنان هشتم اسفند ۶۴ از دار دنیا رفته‌اند ولی تا به هنگام رفتن از پاکسازی و نوآوری موسیقی سنتی غافل نبوده‌اند. نام‌شان به عنوان پروردگان فرهنگی جامعه در تاریخ می‌ماند.

مهم‌ترین نقشی که حسین تهرانی در جامعه موسیقی ایران ایفا کرده، بازپس گرفتن اعتبار اجتماعی تنبک و تنبک‌نوازی است. تا قبل از تهرانی تنبک‌نوازان حکم خدمتکاران نوازندگان یا خوانندگان را داشتند. نه تنها در محل اجرای برنامه که حتی در خانه آنها را به خرید خانه و پختن غذا و حتی آماده ساختن منقل و وافور و... وا می‌داشتند.

ادامه در صفحه ۱۵

دشمنان ما از سازماندهی خوبی برخوردار بودند و ما چنین چیزی نداشتیم. بسیاری از آنها در اردوگاه‌های فلسطین یا در کوبا و سایر کشورها آموزش دیده بودند.

● اما شاه دارای یکی از بزرگترین، بهترین و مسلح‌ترین ارتش‌های منطقه بود.

— کمونیست‌های اتحاد جماهیر شوروی و چین و چپ‌ها مخالفان ما بودند و مشترکاً با خمینی علیه ما کار می‌کردند. همسر من به آن نام «اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه» داده بود، سرخ برای کمونیست‌ها و سیاه برای متعصبان و بنیادگرایان مذهبی. ما به اندازه کافی نمی‌دانستیم در مساجد کشور چه می‌گذرد، آنها را دست کم گرفته بودیم و با توجه به آنچه شاه برای کشورش انجام می‌داد، نمی‌توانستیم تصور کنیم که فردی مانند خمینی بتواند جای او را بگیرد. در این رابطه رسانه‌های غرب و نوع گزارش‌های آنها در باره امور ایران نیز به دشمنان ما کمک فراوانی کرد. نوارهای سخنرانی خمینی، پیش از آنکه به ایران برسند، از رادیو بی بی سی پخش می‌شدند.

● عده‌ای از مردم در حین تنفر از شاه به شهبانوی خود عشق می‌ورزیدند. یکی از آیت‌الله‌ها به شما پیشنهاد کرده بود که اگر شما شاه را بکشید، می‌توانید به کشور بازگردید.

— یک بار دیگر می‌گویم: این افراد ایرانی نیستند. اینها انسان‌های بسیار زیادی را کشته و جامعه را ویران کرده‌اند.

● وزارت اطلاعات و امنیت کشور، ساواک، برای ساکت کردن یا برای کسب اطلاعات یا اعتراف گرفتن از مخالفان، آنها را با شوک الکتریکی، کشیدن دندان و ناخن، سوزاندن بدن یا تجاوز جنسی به گونه‌ای سیستماتیک شکنجه می‌کرد.

— در این رابطه دروغ‌های زیادی گفته و بسیار مبالغه شده است. عده‌ای از چپ‌ها که ابتدا پشتیبان انقلاب بودند، بعداً خود اعتراف کردند که در آن دوران برای دست یافتن به اهدافشان دروغ می‌گفتند. اجازه دهید در این رابطه به عمادالدین باقی اشاره کنم که در آن زمان دانشجوی علوم دینی بود و وظیفه داشت در باره تعداد زندانیان سیاسی دوران پهلوی بررسی و تحقیق کند. برای او بسیار عجیب بود که تعداد زندانیان سیاسی ما تنها ۳۲۰۰ نفر باشند و نه آنگونه که مخالفان دواتشه متعصب ادعا می‌کردند ۱۰۰۰۰۰ نفر.

● در باره تعداد زندانیان سیاسی و همچنین تعداد کسانی که به قتل رسیده‌اند یک بررسی علمی که توسط نهادهای بین المللی به رسمیت شناخته شده باشد، تا به امروز وجود ندارد. ولی، حتی اگر فرض کنیم که تعداد آنها بسیار کمتر از آنچه باشد که ادعا شده، در هر صورت نقض حقوق بشر بوده است. چرا شما در این زمینه اقدامی نکردید؟

— من در این رابطه نمی‌توانستم کاری انجام دهم.

● شما شهبانوی ایران بودید. شما و همسران می‌توانستید هر کاری انجام دهید.

— خیر، به این سادگی نبود. هم یک دولت وجود داشت و هم افرادی که نفوذ زیادی داشتند.

● آیا شکنجه و کشتن مخالفان لازم و ضروری بود؟

— خیر، و اگر چنین بوده باشد، من بسیار متأسفم. کاش این اتفاقات نمی‌افتاد. از آن دوران ۳۸ سال می‌گذرد و این داستان‌های کاملاً اغراق آمیز تا به امروز همواره تکرار می‌شوند. آرزوی من این است که شما بنویسید امروز در جمهوری اسلامی چه می‌گذرد!

● ببخشید ولی گزارش اخبار و آنچه در ایران می‌گذرد در اشپیکل بسیار وسیع و انتقادی است. آیا شما از شکنجه‌ها اطلاع داشتید؟

ادامه در صفحه ۱۵

*منبع: مجله‌ی آلمانی اشپیکل، شماره ۸، ۱۸ فوریه ۲۰۱۷
*مصاحبه‌کننده: سوزانه کولبل (Susanne Koelbl)
*ترجمه از کیهان لندن



شهبانو فرح در گفتگو با اشپیکل:

برای گشودن درهای ایران به سوی غرب پیش از فقط یک پیکاسو نیاز هست

و او در پاسخ گفت: در آن صورت سرنگونی شما پنج- شش سال زودتر اتفاق می‌افتاد.

● از جمله آثار هنری این مجموعه مدرن اثری از فرانسیس بیکن (Francis Bacon) است به نام "Two Figures Lying on a Bed with Attendants" که در آن تصویر دو مرد لخت دیده می‌شود.

— من به خاطر نمی‌آورم که نسبت به این اثر واکنش منفی وجود داشت. به هنگام گشایش نمایشگاه همه راضی بودند و با غرور از آن حرف می‌زدند. همجنس‌گرایان، هر چند نه به میزان اروپا، اما در ایران نیز وجود دارند و در هیچ‌جا به رسمیت شناخته نمی‌شوند. اما امروز این افراد...

● منظور شما ملایان هستند؟

سفرهای زیادی به سراسر ایران کرده و با افراد زیادی صحبت کرده بودم. همسر من تلاش داشت کشور را به پیش ببرد. او نام این پیشرفت را انقلاب سفید گذاشت.

● برنامه‌ای برای مدرن کردن ایران. برنامه‌ای که می‌خواست از شدت نفوذ سنت‌گرایان ایران بکاهد.

— ما می‌خواستیم کشوری مدرن شویم. همسر من با هدف برچیدن نظام فئودالی طرح اصلاحات ارضی را ارائه کرد. موضوع بر سر حقوق زنان، حقوق کارگران، ملی کردن جنگل‌ها و منابع آب بود. آموزش و پرورش، بیمارستان، کتابخانه، اقتصاد، صنایع و... ما می‌خواستیم پیشرفت کنیم، و مذهبیان پیرامون آیت‌الله

— آیا غرب و ایران، به ویژه آلمان، با شکست این نمایشگاه، فرصت و موقعیت نزدیک شدن به یکدیگر را از دست داده‌اند؟

— اگر شما خواهان گفتگو یا دیالوگی هستید که منتهی به باز شدن درهای بسته ایران شود، به بیش از فقط پیکاسو نیاز دارید. باید برای آزادی و حقوق بشر بیشتری در ایران کار و مبارزه شود. ولی آلمان و غرب دوباره شروع به معامله با ایران کرده‌اند. به نظر می‌آید که برای آنها این امر مهم‌ترین موضوع باشد.

● چرا شما در آن زمان هنرهای مدرن خریداری کردید؟

— من در اوایل سال‌های ۶۰ زیاد به نمایشگاه آثار هنری می‌رفتم و در آنجا با هنرمندان بسیاری آشنا

خانواده‌اش است. آثاری که من تهیه کردم، امروز بخشی از گنجینه و میراث فرهنگی ایران است که ارزش آن چندین برابر شده است

● بانو فرح پهلوی، اگر نمایشگاه برگزار می‌شد، آیا شما هم به برلین می‌آمدید تا آثاری را که زمانی در ایران با تلاش خود شما گردآوری شده بود، دوباره تماشا کنید؟

— بله، روشن است که می‌آمدم! یعنی در هر صورت می‌آمدم، حتی اگر برای افتتاحیه نمی‌شد، پس از سخنرانی روز گشایش می‌آمدم. در این رابطه کسی نمی‌توانست مانع از آمدن من شود. آلمان کشور آزادی است.

● آیا منظور شما از "کسی" حکومت آیت‌الله‌ها در تهران است؟

— بله، کاملاً. این نمایشگاه برای من بود که عکس‌ها در ماه دسامبر، به همراه آثاری از موزه هنرهای معاصر تهران، در نمایشگاه نقاشی برلین به نمایش گذاشته شوند. نمایشگاهی که می‌بایست نمادی از نزدیکی فرهنگی غرب و ایران، پس از توافقنامه اتمی (برجام) شود.

این مجموعه هنری در سال‌های هفتاد به ابتکار شهبانو فرح پهلوی خریداری شده بود. در پشت این ابتکار، رویای ایرانی مدرن و باز نهفته بود، کشوری با یک سیستم سیاسی خشن و ناحق. انقلاب ۱۹۷۹ به این رویا پایان داد و یک سیستم ظالمانه جدید را جایگزین سیستم ناحق قدیمی کرد. این مجموعه هنری که تقریباً غیرقابل دسترسی است، به گونه‌ای حیرت‌انگیز از انقلاب جان سالم به در می‌برد و اکنون در انبارهای موزه هنرهای معاصر در تهران خاک می‌خورد.

به هنگام سفر (۲۰۱۵) وزیر خارجه پیشین آلمان فرانک والتر اشتاین مایر (Frank-Walter Steinmeier) به تهران، برخلاف انتظار، مقامات ایرانی موافقت می‌کنند ۶۰ اثر از این مجموعه هنری، از آثار هنرمندان ایران و جهان، در شهر برلین به نمایش گذاشته شود. آثاری از مارک روتکو (Mark Rothko) و هرمن پارزینگر (Hermann Parzinger)، یا تابلوی "Mural on Indian Red Ground" اثر جاکسن پولاکسن (Jackson Pollocks). رئیس «بنیاد میراث فرهنگی پروس» می‌گوید که ما علاوه بر گفتگو و دیالوگ با مقامات، باید «تیروهای لیبرال و جامعه مدنی» ایران را نیز تقویت کنیم. در هر صورت، دولت ایران سرانجام اجازه خروج این آثار از ایران را صادر نکرد. فرح پهلوی ۷۸ سال دارد و از سال ۱۹۷۹ در مهاجرت زندگی می‌کند. ما برای دیدار او به پاریس می‌رویم، خانه اش پر از هنرهای مدرن و عکس‌های



بازدید خصوصی فرح دیبا برای نخستین بار از آثار هنری که به موزه رسیده بود و توضیح کامران دیبا رییس موزه هنرهای معاصر تهران

خمینی طبیعتاً مخالف این تغییرات و دگرگونی‌ها بودند.

● در آن دوران یکی از روزنامه‌های آمریکایی نوشت که برنامه بازگشایش موزه هنرهای معاصر و مدرن در تهران عملی تحریک‌آمیز است که به «برخورد میان یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان با دنیای مدرن غرب سال‌های هفتاد» خواهد انجامید.

— چنین ادعایی بسیار متکبرانانه است. ایرانیان دارای یک گنجینه فرهنگی غنی و تاریخ بسیار گسترده‌ای هستند. پرسپولیس نه توسط بردگان، بلکه کارگران مزدبگیر ساخته شد. کوروش کبیر، که در ششصد سال پیش از تولد مسیح زندگی می‌کرد، پایه‌گذار اولین منشور حقوق بشر است. به ما ماکترا ایراد گرفته می‌شود که گویا بیش از حد عجله کردیم. من گفتگویی را که بعد از انقلاب با هنری کیسینجر داشتم به خاطر می‌آورم که به او گفتم: اگر ما پنج- شش سال زودتر شروع کرده بودیم، شاید سرنگونی پیش نمی‌آمد.

می‌شدم و آثارشان را خریداری می‌کردم. ثروتمندان ایران تنها به آثار قدیمی ایرانی علاقه نشان می‌دادند. یک خانم نقاش ایرانی از من پرسید که چرا برای هنرمندان مدرن ایران موزه‌ای وجود ندارد و این ایده‌ای بود که از درون آن موزه هنرهای معاصر و مدرن ایران و خارج شکل گرفت.

● شما یک خانم آمریکایی به نام دانا استاین (Donna Stein) را به عنوان مدیر مسئول این پروژه به ایران آوردید. گشایش موزه بسیار پیشرو (آوانگارد) به همراه برخی رقص‌های تحریک‌آمیز و اروتیک برای یک جامعه سنتی و محافظه‌کاری چون جامعه ایران بود. اکثر مردم در فقر زندگی می‌کردند. آیا شما در ایران دیگری، در یک حباب و در رویا زندگی می‌کردید؟

— فکر نمی‌کنم. ایران جامعه محافظه‌کاری نبود. من نمی‌فهمم که چرا عده‌ای همواره فکر می‌کنند تنها غرب می‌تواند موزه‌ای برای هنرهای معاصر و مدرن داشته باشد. من

به دو دلیل جالب بود: یکم، به این دلیل که چیزی مثبت از دوران ما به نمایش گذاشته می‌شد که پیش از انقلاب به وجود آمده بود. دوم اینکه افراد و رسانه‌های زیادی به ناگهان دوباره شروع کردند به حرف زدن در باره من و همچنین در باره اینکه ما در آن دوران چه کارهایی انجام دادیم و نه در باره رژیم کنونی.

● دولت ایران اجازه خروج به این مجموعه را نداد. آیا آیت‌الله‌ها هنوز هم پس از گذشت ۳۸ سال از سرنگونی محمدرضا شاه پهلوی از شما ترس دارند؟

— افراد زیادی هنوز از همسر من سخن می‌گویند. اینکه ایرانیان، به ویژه نسل جوانی که پس از انقلاب به دنیا آمده است، یعنی پس از آنکه ما مجبور به ترک کشور شدیم، مرا در خیابان‌های پاریس یا آمریکا بغل می‌کنند و می‌بوسند، به من قوت قلب می‌دهد. آنها از راه اینترنت و تلویزیون می‌دانند که ایران در آن دوران چگونه بوده است و پدران و مادران خود را مسئول وضعیت کنونی می‌دانند.

مسوولان جمهوری اسلامی و اسکار «فروشنده»



حمایت از فرهادی و مخالفت با اراده دور از منطق دولتمردان تازه روی کار آمده آمریکا شاهد هستیم که ظاهرا آنها هنوز نمی‌دانند جهان امروز از ممنوعیت‌ها و دیوار کشیدن‌ها عبور کرده است.

وی در توئیتر خود نوشته که به بازیگران و سازندگان فیلم «فروشنده» برای دریافت اسکار و «ایستادن مقابل ممنوعیت از ورود مسلمانان» افتخار می‌کند.

محمومه ابتکار، معاون روحانی نیز در پیام توئیتری خود نوشت: «تبریک به همه نقش‌آفرینان «فروشنده» بابت اسکار و بیشتر بابت پیام انسانی در مقابله با تبعیض و در حمایت از ارزش‌های مشترک بشری و صلح و دوستی».

محمد رضا عارف، رییس شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان نیز در صفحه اینستاگرام خود ضمن تبریک به اصغر فرهادی و همه هنرمندان و عوامل فیلم «فروشنده» نوشت: «این هنرمندان نشان دادند هنر ابزاری موثر برای دیپلماسی فرهنگی است.»

این در حالیست که رسانه‌های وابسته به جناح افراطی ایران علاقه چندانی به انتشار خبر جایزه اسکار فیلم «فروشنده» از خود نشان نداده‌اند و خبرگزاری‌هایی مانند «تسنیم»، «فارس» و «میزان» در لابلای خبرهای هنری خود به اشاره مختصری درباره این خبر اکتفا کرده‌اند.

برای عدم حضور در مراسم اسکار امسال و نشان دادن اعتراض‌شان به دولتمردان آمریکا سبب شد تا اثر رفتار افراطیون آمریکایی برای بسیاری از هنرمندان و دیگر ملتها روشن شود.

وی تأکید کرده: «نقش هنر و رسالت واقعی هنرمندان را هم نباید



در تحکیم و تقویت دوستی میان ملتها فراموش کرد.»
ظریف همچنین با اشاره به فعالیت این دو هنرمند در ایران تصریح کرده: «اکنون اتحاد کم‌ظنری را در

● **ظریف گفته: به بازیگران و سازندگان فیلم «فروشنده» برای دریافت اسکار و «ایستادن مقابل ممنوعیت از ورود مسلمانان» افتخار می‌کند.**

● **محمد رضا عارف گفته، این هنرمندان نشان دادند هنر ابزاری موثر برای دیپلماسی فرهنگی است.**

● **رسانه‌های وابسته به جناح افراطی ایران نیز با بی‌میلی به این خبر پرداخته و به اشاره‌ای کوتاه به اصل خبر اکتفا کرده‌اند.**

اسکار «فروشنده» برای بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان سال ۲۰۱۷ بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان و رسانه‌های داخلی داشت. برخی از دولتمردان جمهوری اسلامی نیز در واکنش به این خبر به تعریف و تمجید از عوامل این فیلم پرداختند.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، در مورد این فیلم گفته: «اصغر فرهادی، فیلمساز شناخته شده ایرانی با ساخت آثار قابل تامل در چارچوب مقررات رسمی جمهوری اسلامی ایران نقشی انکارناپذیر در درخشش نام ایران در جهان داشته است. تصمیم او و خانم ترانه علیدوستی

پیدا کنید «فروشنده» را! اسکار دمکرات‌ها علیه جمهوری خواهان

خود که هم فیلم‌ساز و هم فیلم‌شناس هستند دیدم. پس از تماشای فیلم، می‌بایست به آنها برخی نکات را توضیح می‌دادم. مثلا اشاره به فیلم «گاو» و نمایش آن در پس‌زمینه‌ی سکانس کلاس. و یا چشم پوشیدن از خوردن اسپاگتی به دلیل اینکه با پول یک روسپی تهیه شده! به همین دلیل فکر می‌کنم به اعضای آکادمی اسکار هم حتما کسانی باید این توضیحات را می‌دادند تا آنها بتوانند بین پنج فیلم معرفی شده تصمیم بگیرند که «فروشنده» بهترین بوده!

هنر بازیگران «فروشنده» اما حرف ندارد. بازیگران ایرانی به طور کلی خوب و گاهی عالی هستند و شاید ارتقای هنرپیشگی و نقش بازی کردن نیز بستگی به شرایط سیاسی

غربی، خودشان بیشترین اعتراضات را به دولت‌های خود می‌کنند و جای چنین اعتراضاتی درباره حکومت ایران خالیست. از سوی دیگر این اعتراض فرهادی را بیش از هر چیز می‌بایست در کفه‌ی ترازوی حزب دمکرات آمریکا سنجید. وگرنه گمان نمی‌کنم کسی بتواند مدعی شود که وزیرای آمریکا و فرمان‌های مهاجرتی ترامپ مهم‌ترین و یا حتی یکی از مشکلات مهم مردم ایران و شش کشور دیگر است که ترامپ نسبت به آنها سختگیری به خرج داد! آن هم در حالی که چنان قوه قضاییه‌ای در آمریکا وجود دارد که می‌تواند با قدرت تمام، همین فرمان رییس جمهوری را تعلیق و یا لغو کند.

اصغر فرهادی شعار سیاسی درباره

الاهه بقراط - حرف و حدیث
دومین اسکار اصغر فرهادی بیش از اولین اسکارش است. در این مورد هم مانند خرس طلایی «تاکسی تهران» از جعفر پناهی، فیلم‌سازانی که آثارشان در رقابت با این فیلم‌ها قرار داشت، گفتند که شرایط سیاسی را درک می‌کنند و مشکلی ندارند که به این فیلم‌ها جایزه داده شده است! این حسن نیت هنرمندان خارجی، خود بیانگر نقش تصمیم‌گیری‌های سیاسی در اهدای جوایزی است که قاعدتا می‌بایست به دلایل هنری و برتری خلاقانه‌ی سازندگان فیلم اهدا شوند.

سیاست‌زدگی البته فقط درباره‌ی سینمای کنونی ایران نیست، در سال ۲۰۱۳ نیز فیلم هالیوودی «آرگو» با داستان سفارت آمریکا و گروگانگیری کارمندان آن توسط «دانشجویان پیرو خط امام»، به دلایل سیاسی چند اسکار از جمله به عنوان «بهترین فیلم» نصیب‌اش شد، و سیاسی‌تر آنکه، میشل اوباما، همسر رییس جمهوری وقت آمریکا، از طریق ارتباط مستقیم ویدیویی برنده شدن این فیلم را اعلام کرد!

امسال هم درگیری‌ها و رقابت دو حزب دمکرات و جمهوری‌خواه و همچنین تلاش لابیست‌های جمهوری اسلامی که با انتخاب دونالد ترامپ، رییس جمهوری غیرمتعارف آمریکا، عرصه را بر خود تنگ می‌بینند، دومین اسکار را نصیب اصغر فرهادی و فیلمی کرد که نه تنها بهترین فیلم از میان پنج فیلم معرفی شده در بخش آثار غیرانگلیسی‌زبان نبود، بلکه حتی بهترین فیلم خود فرهادی هم نیست!

این جایزه از زوایای مختلف مورد مناقشه است. برخی ایرانیان از دریافت آن خوشحال شده و به آن حتی افتخار می‌کنند، از جمله به این دلیل که موقعیت تحقیرشده‌ی ایران را در جهان کمی ترمیم می‌کند. برخی مقامات به فرهادی تبریک گفته و حرف خودشان و او را یکی دانسته‌اند. برخی دیگر فیلم او را سیاه‌نمایی و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی نامیده‌اند و علی‌مطهری که برخی از هواداران «اصلاح‌طلبان» در قضاوت‌چال جمهوری اسلامی به وی دخیل بسته‌اند، حتی به این ایراد گرفته که چرا فرهادی یک زن محجبه را برای دریافت جایزه‌ی خود به مراسم اسکار نفرستاده است! معرفی یک توریست فضایی و یک دانشمند سابق ناسا که در تجارت فعال‌اند و در لابی‌های سیاسی و اقتصادی دست دارند نیز بیشتر به این مناقشه دامن زد. این توجیه که انتخاب این دو به این دلیل بوده که از فضا فزاینده زمین دیده نمی‌شود بیشتر یک پُر‌مضحک است تا جدی، چون شونده را به یاد حکایت معروف سعدی می‌اندازد که منجمی را به کنایه گفت: تو بر اوج فلک چه دانی چیست، که ندانی که در سرایت کیست! دیده نشدن مرزهای زمین از فضا چه فایده‌ای برای مردمی دارد که با آپارتمان‌های فرارکیر و ده‌ها مرز ساختگی و تحمیلی جنسیتی و قومی و مذهبی و خودی و ناخودی تلاش می‌شود آنها را از یکدیگر جدا نگاه داشت؟! در عین حال، اگر واقعا اعتراض و سخنان اصغر فرهادی هم در بیانیه انصراف از شرکت‌اش در مراسم اسکار و هم پیام دریافت جایزه‌اش اصالت می‌داشت، آیا نمی‌بایست به جای دو فردی که اصلا ربطی به هنر و سینما ندارند، یک زن و مرد پناهجوی ایرانی یا سوری یا عراقی را که اخیرا به آمریکا پناهنده شده‌اند، به عنوان نماینده‌ی خود در اسکار معرفی می‌کرد؟! در این صورت همراهی هنر و سیاست به بهترین شکل صورت می‌گرفت تا کسی در این داد و ستد به دنبال «فروشنده» نگردد.

پَز سیاسی علیه دولت آمریکا
کسی به صدای اعتراض اصغر فرهادی یا موارد مشابه، ایرادی ندارد. ایراد در آنجاست که از یک سو مردمان آمریکا و کشورهای



سال ۱۹۷۳ مراسم اسکار

اجتماعی کشور دارد. داستان فیلم اما لاغر و نحیف است. مانند همه‌ی فیلم‌های فرهادی نگاه‌اش جامعه را زیرنقد می‌گیرد و از کنار ساختاری که جامعه را هم می‌پروراند و هم کنترل می‌کند، می‌گذرد.

موضوع محوری فیلم، یعنی «تجاوز» به زنی که سهل‌انگارانه در خانه را برای مرد ظاهرا متجاوز باز می‌کند، اگر چه به نوعی مسکوت می‌ماند اما به نظر من، گام بزرگی است که سینمای ایران از «قیصر» مسعود کیمیایی به «فروشنده» اصغر فرهادی رسیده است. خواهر قیصر در تجاوز قربانی می‌شود و خود وی چاقو به دست به دنبال متجاوز می‌گردد تا او را از پای در آورد. زن عماد اما دچار افسردگی می‌شود و عماد فقط می‌خواهد بداند چه کسی این کار را کرده تا ظاهرا دو تا سیلی به صورت او بخواباند و پول و وسایلش را به او پس بدهد!

بازی موزای و همزمان در یک نمایشنامه به عنوان بخشی از داستان یک فیلم، پیش از این در فیلم‌های خارجی تجربه شده است از جمله در فیلم «آخرین مترو» از فرانسوا تروفو (۱۹۸۰) با شرکت کاترین دونوو و ژرار دپاردیو و همچنین فیلم «معشوقه‌ی سرباز فرانسوی» با شرکت مریل استریپ و جرمی آیرونز (۱۹۸۱). در فیلم فرهادی نیز نمایشنامه‌ی «مرگ فروشنده» از آرتور میلر، داستانی که پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا جریان دارد، با زندگی واقعی عماد و رعنا در سردرگمی شخصیت‌های آنها، در تنهایی‌شان و شرایطی که گرفتار آنند، گره می‌خورد. فروشنده‌ی میلر با مشکلات اقتصادی درگیر است و فروشنده‌ی فرهادی با مشکلات فرهنگی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند. فروشنده‌ی میلر در پایان نمایشنامه می‌میرد و فروشنده‌ی فرهادی با نگاه مات بازیگرانش در پشت صحنه به پایان می‌رسد. البته فروشنده‌ی فرهادی جشنی فرهنگ مذهبی و سنتی و نشانه‌های بومی هم دارد به اضافه‌ی همه‌ی محدودیت‌های تحمیلی و سانسور که بر سینمای امروز ایران حاکم است. به همین دلیل است که می‌گویم، بی‌تردید، روزی روزگاری، نسل‌های بعدی در بررسی سینما و جامعه‌ی این سال‌های ما به این فیلم و آثار مشابه به عنوان اسناد تاریخی مراجعه خواهند کرد و نه بیش از آن.

نامه سر گشاده به آقای اصغر فرهادی



©Reuters

همه بازی‌های درخشان و به یادماندنی که آقای وثوقی در فیلم هایش کرده است به او اهدا کرد، اندکی جرات و شهامت اخلاقی به خرج می‌دادید و با استفاده از فرصت گرانبهایی که نصیب‌تان شده بود به گونه‌ای شایسته حرمت‌گذاری خودتان به این پیشکسوتان را نشان می‌دادید. ۴ - دیدم و شنیدم که در پیام خود به «آکادمی اسکار» و هنرمندان هالیوود گفته‌اید: «متأسفم از این که امشب با شما نیستم. غیبت من به علت احترام به مردم کشورم و شش کشور دیگر است که با وضع قانون غیرانسانی ممانعت از ورود مهاجران به آمریکا مورد بی‌احترامی قرار گرفته‌اند.» آقای فرهادی گرمای، آيا شما تا به حال به این همه بی احترامی نسبت به هموطنان خودمان در داخل وطن‌مان هم اعتراضی کرده‌اید؟

با احترام: توفیق ممتاز

آقای اصغر فرهادی گرمای؛ با درود به شما.

خیلی خوشحال شدم که برای دومین بار برنده جایزه با ارزش «اسکار» شدید. هر چند نظرات و حرف و حدیث‌ها در مورد اهدای این جایزه به شما بسیار است ولی من مایل نیستم در این نامه کوتاه وارد آنها شوم و قصد از نوشتن این چند خط صرفا طرح پرسش‌هایی در خصوص انتخاب خانم انوشه انصاری و آقای فیروز نادری برای دریافت جایزه به نمایندگی از شماست که مایلم پاسخی به آنها داده شود.

۱- جایگاه و مقام و موقعیت ویژه خانم انصاری و آقای نادری بر کسی پوشیده نیست و طبعاً مورد احترام من نیز هستند، اما مگر نه این که جایزه «اسکار» به هنرمندان برجسته در رشته سینما اهداء می‌شود و نه به تجارت‌پیشگان موفق و دانشمندان علوم فضایی؟ پس چگونه است که شمای هنرمند- که روشن نیست به چه ترتیب و با کدام واسطه با این دو ایرانی سرشناس مقیم خارج از کشور آشنا و در مرادوه هستید- آنها را به عنوان نماینده خود در مراسم پخش جوایز «اسکار» انتخاب کرده‌اید؟

۲- آیا بهتر نبود که به جای این دو ایرانی محترم اما بی‌ارتباط با هنر و به ویژه سینما، از میان هنرمندان سینمای کشور خودمان که از پیشکسوتان خود شما بوده و این راه را برایتان باز کرده‌اند و خوشختانه هنوز حیات‌داشته و ساکن آمریکا هم می‌باشند یک یا دو نفر را به عنوان نماینده خود معرفی می‌کردید تا هم

زنان شاخص

هما روستا

(۱۳۲۵-۱۳۹۴)



هما روستا بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر، کارگردان و مترجم ایرانی بود. او برای بازی در تله‌تئاتر شهیدباز برنده جایزه بهترین بازیگر زن از جشنواره سینما، برای بازی در «از کرخه تا این» نامزد سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر و برای پرند کوچک خوشبختی نامزد دریافت لوح زرین جشنواره فیلم فجر و برای بازی در لژیون نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن از سومین جشن خانه سینما شد. او مدرک فوق لیسانس خود را از دانشکده هنرهای دراماتیک بخارست رومانی گرفت و در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت. اولین حضور او در سینما با فیلم دیوار شیشه‌ای به کارگردانی ساموئل خاچیکیان در سال ۱۳۵۰ رقم خورد. پس از انقلاب در سال ۱۳۶۵، هما روستا در فیلم گزارش یک قتل به کارگردانی محمدعلی نجفی ایفای نقش نمود. در سال ۱۳۶۶ فیلم پرند کوچک خوشبختی پوران درخشنده بازی کرد و نامزد دریافت لوح زرین بهترین بازیگر نقش اول زن از ششمین دوره فیلم فجر در همان سال گردید. سال ۱۳۶۸ در فیلم تمام

روش‌های هوشمندانه زیبا شدن

هر دختری دوست دارد تا زیبا و کامل به نظر برسد. ما می‌خواهیم در تاریخی‌ترین شب زندگی خود یا در سالن ورزشی به نظر ایده‌آل برسیم و در کوچکترین جزئیات حساسیت به خرج می‌دهیم. اما متأسفانه اینقدر زندگی پرمشغله شده تا وقت چندانی برای رسیدگی به خودمان نداریم. در اینجا چند روش برای شما داریم که به سادگی زیبا شوید و با استفاده از آنها در زمان، انرژی و پول صرفه‌جویی خواهید کرد.

- دارچین و اسانس نعناع برای درخشان و برجسته کردن لب بسیار موثر است. اگر به این مواد آلرژی ندارید، می‌توانید به سادگی چند قطره از آنها را به لب خود بزنید تا براق و زیبا به نظر برسد.

- نارگیل و روغن زیتون عالی برای مقاوم‌سازی آرایش صورت در برابر آب مفیدند. سعی کنید از این ترنند استفاده کنید، چرا که حتی

این کار علاوه بر داشتن پایه آرایشی خوب، مانع از به چشم آمدن آرایش می‌شود.

- اگر می‌خواهید چهره‌های شاداب و تازه داشته باشید، کمی از پودر پن‌کیک را روی پل بینی، استخوان‌های گونه، چانه و مرکز پیشانی بزنید. این کار ابروها و پشت پلک شما را بلندتر نشان می‌دهد و در کنار پیشانی صورت شما را باز می‌کند.

- یک قاشق غذاخوری جوش شیرین به ژل شستشوی صورت یا شیرپاک‌کن اضافه کنید، این کار منجر به درخشان شدن پوست می‌شود. این مخلوط را به آرامی روی پوست خود ماساژ دهید و پس از چند ثانیه با آب گرم بشویید. این کار را ۲ تا ۳ بار در هفته تکرار کنید.

- وقتی ریمل مژه و ابرو مورد علاقه‌تان شروع به خشک شدن می‌کند، می‌توانید با اضافه کردن یک قطره از محلول سالیین به داخل لوله



بهترین راه این نیست که به یک سالن آرایش مو بروید. استفاده از اسپری حالت دهنده مو بزرگترین راه برای مرتب کردن موهاست، حتی می‌توانید از این اسپری در ریمل مژه و ابرو قدیمی استفاده کنید و به همه مژه و ابرو بزنید.

- پودر پچه یا نشاسته ذرت مناسب را پس از شامپوی خشک می‌توانید استفاده کنید. بعد از شستشوی موها کمی از آنها روی موها بپاشید. این ترنند برای مواقعی که فرصت کم است، بکار بگیرد.

- به منظور داشتن موهایی براق کمی از کرم مخصوص پوست‌های معمولی را قبل از خواب به موهایتان بزنید و کمی از آن را نیز به انتهای موها بزنید.

- ۲ قرص اسپرین، کپسول ویتامین A، ۱ قاشق غذاخوری نمک دریایی و برخی از روغن‌های گیاهی در ۲۰۰ میلی‌لیتر آب مخلوط کنید. ناخن‌های خود را به مدت ۱۰ دقیقه داخل آن بگذارید و سپس با یک حوله آنها را پاک کنید. این کار باعث می‌شود تا ناخن‌ها تقویت شوند.



امید به زندگی در سنین بالا

به تازگی محققین متوجه شده‌اند امید به زندگی در زنان افزایش یافته است. گروهی از محققان بعد از مطالعه اخیرشان اعلام کردند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، امید به زندگی در زنان آمریکایی به ۸۳ سال و در مردان به ۸۰ سال می‌رسد. گزارشی از این مطالعه در The Lancet منتشر شده است. در حال حاضر، زنان آمریکایی به‌طور متوسط تا ۸۱ سالگی و مردان آمریکایی نیز به‌طور متوسط تا ۷۷ سالگی زندگی می‌کنند. این مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته دیگر قصد دارند تا سال ۲۰۳۰ میلادی، امید به زندگی را در میان شهروندان شان حتی از آمریکایی‌ها نیز بالاتر ببرند. این محققان با استفاده از ۲۱ مدل آماری متفاوت در ۳۵ کشور توسعه‌یافته مختلف، به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌ریزی کشور کره جنوبی برای افزایش طول عمر شهروندانش، از همه کشورهای دیگر دقیق‌تر و موفق‌تر خواهد بود. در واقع، امید به زندگی در بین زنان اهل کره جنوبی تا سال ۲۰۱۰ میلادی حدوداً ۸۴ سال بود، اما مسئولان این کشور قصد دارند که این عدد را تا سال ۲۰۳۰ میلادی به ۹۰ سال برسانند. بعد از کره جنوبی، بزرگ‌ترین جهش‌ها برای افزایش طول عمر زنان در کشورهای اسلوانی و پرتغال مشاهده می‌شود. هر دوی این کشورها قصد دارند تا سال ۲۰۳۰ میلادی، سن امید به زندگی را در کشورشان بین ۴ تا ۵ سال افزایش بدهند. افزایش سطح بهداشت و سلامت عمومی، بهبود شرایط تامین اجتماعی، بالا بردن رفاه اجتماعی در کنار ایجاد

رو و ی راه‌های ارتقاء امید به زندگی در کشورهای پیشرفته جهان است.

رژیم غذایی زیادی در دسترس دنیا وجود دارد اما متأسفانه هر چند وقت یکبار متخصصان آنها را نقض می‌کنند و دلیلی بر عدم صحت و سلامت آنها رو می‌کنند؛ به همین دلیل تشخیص مناسب و سالم‌ترین رژیم غذایی کاری دشوار است! اما در اینجا بهترین رژیم غذایی را به شما معرفی خواهیم کرد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که امروزه با آن مواجهیم، افزایش نرخ ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر به دلیل تغییر شیوه زندگی است. کاهش فعالیت‌های فیزیکی در طول روز، تغییر نوع خوراک و افزایش پشت‌میزنشینی، باعث شده چاقی،



زن روز



سیمین بهبهانی

نپسندم این که روی ز منت خبر نباشد گل قاصدی فرستم به تو، نامه گر نباشد گل قاصدی فرستم که پیام من بگوید که به جز ویم کسی محرم نامه بر نباشد چو پیام من شنیدی پر او بگیر و بشکن که به جز تو سوی یار دگرش گذر نباشد نه، که خود شکسته‌بال است، وگرنه کس بیامی ز شکسته دل نیارد که شکسته پر نباشد تویی آن گهر که کس قدر ترا نمی‌شناسد ز چه بازان من حلقه‌ی این گهر نباشد غم دوریت نهالی است به باغ شب شکفته که نسیم شاخسارش نفس سحر نباشد

رژیم غذایی (دش) سالم‌ترین رژیم غذایی!

هم کاهش‌دهنده فشارخون، هم کاهش‌دهنده وزن

هرچند که رژیم دش، جزو رژیم‌های غذایی لاغری طبقه‌بندی نمی‌شود، اما از آنجا که این رژیم غذایی در گروه رژیم‌ها و الگوهای غذایی سالم جای می‌گیرد، می‌تواند نوعی راهکار مناسب برای کاهش تدریجی و کنترل وزن باشد. برخی محققان بر این باورند که رژیم دش به دلیل داشتن فیبر بالا با تأثیری که بر کاهش و کنترل وزن می‌گذارد، می‌تواند اثری مانند کاهش نرخ ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر را در پی داشته باشد و در واقع، بخشی از آثار سودمند آن، مربوط به کاهش وزن ناشی از این رژیم غذایی می‌شود.

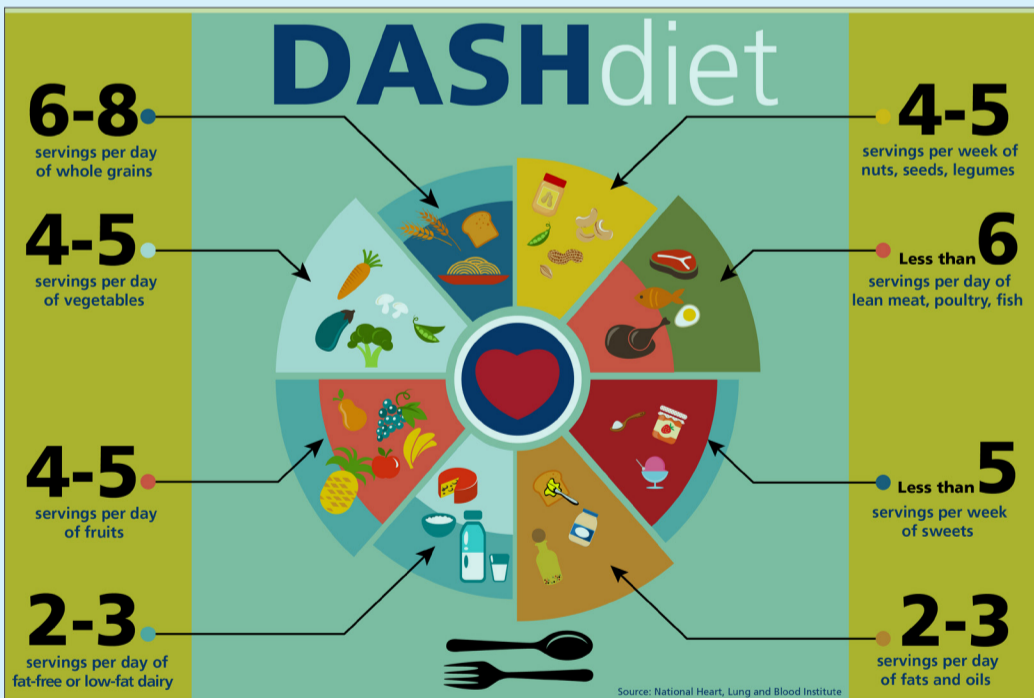
هم ضد فشارخون، هم ضد سرطان

پیروی از رژیم دش با کنترل عوامل ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر و کاهش وزن و استرس اکسیداتیو در بدن، باعث کاهش نرخ ابتلا به

در کشورهایی مانند ایران کمتر به آن پرداخته شد، رژیم دش یا رژیمی با رویکردهایی است که برای کاهش سطح فشار خون تنظیم می‌شود. بسیاری از متخصصان بر این باورند که رژیم دش هم به اندازه رژیم مدیترانه‌ای سالم است و پیروی از آن علاوه بر کاهش نرخ ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر، می‌تواند شانس مرگ‌ومیر را به دلیل ابتلا به این بیماری‌ها کاهش دهد.

ویژگی‌های رژیم دش

رژیم غذایی دش، مانند هر رژیم غذایی دیگری انواع گروه‌های غذایی را با کمی تغییر در نوع مصرف دربرمی‌گیرد. در رژیم دش، مصرف میوه و سبزی‌های تازه، استفاده از غلات کامل مانند نان‌های سبوس‌دار یا برنج و ماکارونی قهوه‌ای و لبنیات کم‌چرب و بدون چربی افزایش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین رویکردهای این رژیم غذایی برای کاهش سطح



سرطان می‌شود. از سوی دیگر، این رژیم دارای ویتامین‌ها، املاح و آنتی‌اکسیدان‌های فراوانی است که نقش چشمگیری در کاهش ابتلا به سرطان‌ها بازی می‌کنند. مثلاً کاهش ابتلا به سرطان روده بزرگ، هم در زنان و هم در مردان، از آثار مثبت پیروی از رژیم دش است. به همین دلیل بهتر است این رژیم غذایی به‌عنوان الگوی غذایی مناسب معرفی شود.

فواید رژیم دش (DASH)

پیروی از رژیم دش باعث می‌شود به مرور زمان سطح چربی و کلسترول خون و سطح فشار سیستولیک و دیاستولیک کاهش یابد. افزایش دریافت فیبر، کلسیم و منیزیم در این رژیم غذایی هم باعث بهبود مقاومت انسولینی در بدن و کاهش احتمال ابتلا به دیابت نوع ۲ می‌شود.

کلیسترول خون توصیه به مصرف بیشتر گوشت سفید به جای گوشت‌های قرمز است. از طرف دیگر، در رژیم دش، باید سطح بالاتری از کلسیم، پتاسیم و فسفر با گنجاندن مغزها و دانه‌های خام در برنامه غذایی روزانه مصرف و دریافت سدیم روزانه با پایین آوردن مقدار نمک مصرفی، کم شود. در این رژیم غذایی، مصرف غلات با آرد سفید، مغزها و دانه‌های شور و لبنیات پرچرب، ممنوع یا بسیار محدود است. ضمن اینکه حیوانات هم جایگاه ویژه‌ای در رژیم غذایی دش دارند و به همه افراد توصیه می‌شود بخشی از پروتئین مورد نیاز بدنشان را با ترکیبی از غلات و حیوانات دریافت کنند. روغن‌های پیشنهادی این رژیم هم بیشتر از نوع چربی‌های غیراشباع گیاهی و سالم مانند روغن زیتون، کانولا و کنجد هستند.

اضافه‌وزن و بیماری‌های غیرواگیر مانند دیابت نوع ۲، فشار خون بالا، چربی خون بالا، سرطان‌ها و ناراحتی‌های قلبی و عروقی، بسیاری از ما را رنج دهند و آمار مرگ‌ومیرها را بالا ببرند. یکی از راه‌های رایج از این مشکل، اصلاح الگوهای تغذیه‌ای و پیروی از رژیم‌های غذایی سالم‌تر (مانند رژیم DASH) است. بیشتر ما می‌دانیم رژیم غذایی مدیترانه‌ای، یکی از سالم‌ترین انواع رژیم غذایی در سراسر دنیا محسوب می‌شود که به دلیل استفاده فراوان از غذاهای دریایی و روغن‌های گیاهی سالم‌تری مانند روغن زیتون، توانسته است نرخ مرگ‌ومیر را در بین طرفداران خود کاهش دهد و طول عمر همراه با سلامت را برای آنها به ارمغان بیاورد. یکی دیگر از رژیم‌های غذایی سالم که از سال ۱۹۹۵ در دنیا مطرح و

مردان شاخص



حمید سمندیاریان

(۱۳۱۰ - ۱۳۹۱)

حمید سمندیاریان کارگردان و آموزگار ایرانی تئاتر بود. وی کار تئاتر را همزمان با درس دبیرستان آغاز کرد. وی پس از دبیرستان در آلمان دوره مهندسی شوقاژ سانتال را در دانشگاه صنعتی برلین گذراند؛ ولی پس از آن به کنسرواتور عالی موسیقی و هنرهای نمایشی هامبورگ رفت. برخورد با تئاتر چندان جذیب کرد که مجالی برای موسیقی نمی گذاشت. سمندیاریان سپس به مؤسسه ادوارد مار کس پیوست تا تئاتر را جدی تر بیاموزد و طی شش سال تحت آموزش ادوارد مار کس، که یکی از استادان برجسته تئاتر بود، اصول و مبانی کارگردانی و بازیگری را آموخت و همزمان در آلمان به صورت حرفه‌ای مشغول به کار شد. وی پس از پایان این دوره به دعوت اداره هنرهای نمایشی دراماتیک اداره کل هنرهای زیبای ایران به کشور برگشت. نخستین کار حمید سمندیاریان تله تئاتر «جراحی پلاستیک» نوشته پیر فراری بود که در سال ۱۳۴۰ برای تلویزیون ملی ایران کارگردانی کرد. در سال ۱۳۷۳ به تأسیس کلاس‌های آزاد بازیگری و کارگردانی

دست زد که هنرجویان بسیاری از آنجا دانش آموخته شدند و به عرصه حرفه‌ای هنر وارد شدند. حمید سمندیاریان از همان سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۴۰، خودش را به عنوان کارگردانی که بر ادبیات نمایشی اروپا و آمریکا و دانش روز هنر تئاتر تسلط داشت معرفی کرد. او در سبک کارگردانی نیز پیرو مکتب تئاتر آلمان بود. در کارگردانی به نقش بازیگر سخت اهمیت می داد، بیش از هر چیز بر راهی بازیگر از متن، تسلط او بر صحنه و انضباط سخت تأکید داشت و همین اجراهای او در آن سال‌ها را و در فضای متن محور تئاتر ایران بسیار متفاوت کرد.



گردو و تقویت هورمون مردان

مغز گردو بسیار چرب است و روغن آن فواید بسیار زیادی دارد از دیگر فواید طلایی مغز گردو تقویت هورمون های مردانه است. بهترین منابع اسیدهای چرب غیر اشباع روغن ماهی و یا مکمل های آن، دانه کتان و گردو هستند، گردو سرشار از آلفالیونولینیک اسید (ALA) بوده و یکی از بهترین منابع گیاهی اسیدهای چرب امگا-۳ به شمار می رود. تحقیقات اخیر در دانشگاه کالیفرنیا نشان می دهد مصرف روزانه ۷۵ گرم گردو، باروری را در مردان بهبود می بخشد. در برخی مطالعات مشخص شده است که کیفیت هورمون مردان به دلیل آلودگی، شیوه زندگی نامناسب و رژیم های غذایی ناسالم کاهش یافته است. تاثیر افزایش اسیدهای چرب غیر اشباع که برای هورمون ها و عملکرد غشای آن ضروری هستند، بر روی کیفیت هورمون مردان جوان مورد مطالعه قرار گرفت. بهترین منابع اسیدهای چرب غیر اشباع روغن ماهی و یا مکمل های آن، دانه کتان و گردو هستند، گردو سرشار از آلفالیونولینیک اسید (ALA) بوده و یکی از بهترین منابع گیاهی اسیدهای چرب امگا-۳ به شمار می رود. در مطالعه ای که اخیراً انجام شده است، ۱۱۷ مرد سالم ۲۱ تا ۳۵ ساله شرکت کردند، این افراد به دو گروه تقسیم شدند. ۵۸ نفر از مغزهای گیاهی به یوزه گردو استفاده نکردند و به ۵۹ نفر دیگر روزانه ۷۵ گرم گردو داده شد. تحقیقات قبلی نشان داده بود که ۷۵ گرم گردو، مقداری است که موجب تغییر در سطح چربی های خون می شود اما معمولاً تغییری در وزن افراد سالم ایجاد نمی کند. نتایج نشان داد در گروهی که گردو مصرف کرده بودند، سطح اسیدهای چرب امگا-۳ افزایش قابل توجهی داشت.

علل تلخی و مزه بد دهان در اول صبح چیست؟

مکانیسم های ضروری دیگری را در متابولیسم آنزیم ها بر عهده دارد. زمانی که کبد دچار مشکل می شود و یا اینکه نیاز به تمیز شدن پیدا می کند، مسئله تلخ شدن دهان در حین بیداری از خواب نیز شروع می شود. در واقع بدمزه شدن دهان می تواند یکی از علائم مشکلات کبدی باشد.

اما در طول شب ترشح بزاق به میزان زیادی کاهش پیدا می کند و در نتیجه این میکروب ها روی زبان تجمع پیدا کرده و دهان را بدمزه می کنند. این مسئله طبیعی است و برای همه اتفاق می افتد.

سینوزیت و تلخی دهان

اگر سینوزیت داشته باشید، یک پدیده عجیب در بدن تان رخ می دهد. مخاط بینی بسیار حساس است و این مسئله باعث آبریزش بینی می شود. مخاط بینی حاوی پروتئین است و به این ترتیب غذای باکتری های بی هوازی را که در بالا اشاره کردیم فراهم می کند. در نتیجه باکتری ها رشد کرده و چندین برابر می شوند. به این ترتیب دهان بد مزه شده و بوی بدی ایجاد می شود.

مری و تلخی دهان

ممکن است که مری بیش از اندازه اسیدی شده و دچار التهاب شود. گوارش غذا به کندی انجام بگیرد و

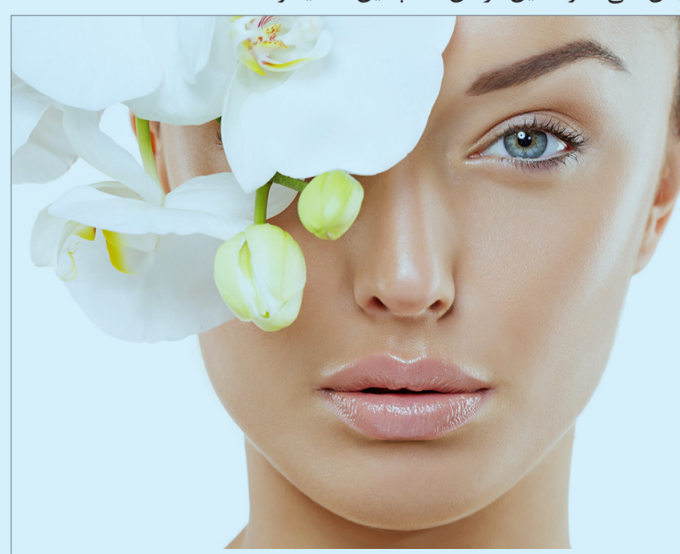
مکانیسم های ضروری دیگری را در متابولیسم آنزیم ها بر عهده دارد. زمانی که کبد دچار مشکل می شود و یا اینکه نیاز به تمیز شدن پیدا می کند، مسئله تلخ شدن دهان در حین بیداری از خواب نیز شروع می شود. در واقع بدمزه شدن دهان می تواند یکی از علائم مشکلات کبدی باشد.

برقان و تلخی دهان

زمانی که بدن قادر به سوخت و ساز بیلی روبین نباشد، برقان یا زردی بروز می کند. مشکلی که به کبد نیز مربوط می شود. در واقع این مشکل سلامت گلبول های قرمز را نیز به خطر می اندازد که به نوبه خود منشا مشکلات دیگری خواهد شد. مهم ترین علائم ابتلا به برقان، زرد شدن پوست و همچنین تلخ شدن دهان است که صبح ها بیشتر احساس می شود.

برای رفع تلخی دهان در صبح گاه چه باید کرد؟

بهترین روش برای مقابله با مشکل تلخ شدن دهان، مصرف مواد غذایی مناسبی است که به سم زدایی از بدن کمک می کنند. در واقع پیش از هر چیز لازم است بدن تان را از شر سموم خلاص کنید. صبح تان را با خوردن یک حبه سیر (به صورت ناشتا) آغاز کنید. با مصرف منظم و روزانه سیر، بدن تان به طور طبیعی سم زدایی می شود. در گام بعدی سراغ یک نوشیدنی بروید. کافیسیت یک نوشیدنی ساده تهیه کرده و به مدت ۸ شب متوالی (هر ماه) میل کنید. برای این کار نیاز به یک عدد چغندر، یک حبه سیر، آب نصف یک عدد لیموترش، کمی جعفری و یک قاشق چایخوری عسل دارید. ترکیبات ذکر شده را با مقداری آب در مخلوط کن بریزید و هم بزنید تا کاملاً یکدست شود. این نوشیدنی باعث سم زدایی از بدن شده و توکسین ها و باکتری ها را از بین می برد. در نتیجه مسئله تلخی دهان نیز به مرور برطرف میشود.



مواد غذایی به سختی هضم شوند. این اسیدیته نیز باعث تغذیه باکتری هایی که روی زبان هستند می شود و در نتیجه مزه دهان ترش می شود.

مشکلات کبدی و تلخی دهان

حتما می دانید که کبد یکی از ارگان های حیاتی بدن است. کبد با شکار سموم و دیگر عناصر آسیب رسان باعث تمیزی و پاکسازی بدن می شود. این ارگان همچنین

عده ی زیادی از افراد هستند که زمانی که از خواب بیدار می شوند مزه بدی در دهان خود احساس میکنند

که ممکن است ترش و یا تلخ باشد و زمینه های آزار فرد را فراهم کند. این عمل ریشه در اختلالات بدن فرد دارد که می تواند به علت تغذیه نامناسب و ... باشد. در ادامه با دکتر سلام همراه باشید.

برای خیلی از افراد پیش آمده است که صبح با دهانی بدمزه که ترش و تلخ است از خواب بیدار شوند. اگر چنین مزه ای در دهان تان احساس کنید بدون شک دنبال دلایل آن خواهید گشت.

علت تلخی دهان در صبح

تلخ و بدمزه بودن دهان در هنگام صبح بسیار رایج است و به همین دلیل چندان جدی به نظر نمی رسد. با این حال این مسئله نشان می دهد که بدن دچار اختلالی شده است و باید علت آن را ریشه یابی کنید. تغذیه نامناسب، تکثیر باکتری ها و غیره جزو عواملی است که دهان را بدمزه و تلخ می کند. در این مطلب عوامل بروز این مشکل و روش های مقابله با آن را عنوان می کنیم.

وجود باکتری ها و تلخی دهان

تقریباً همه افراد صبح ها با یک مزه عجیب در دهان از خواب بیدار می شوند. در طول شب باکتری هایی که بوی بد ایجاد می کنند، روی زبان رژه می روند. در واقع این مزه ترش، اسیدی و تلخی که در دهان حس می کنید ناشی از باکتری های بی هوازی هست که زیر زبان وجود دارند و باعث بوی نامطلوب می شوند. در طول روز چنین مزه و بویی در دهان احساس نخواهد شد، چون ترشح بزاق، باکتری ها را از بین می



مرد روز



شفیعی کدکنی

دست به دست مدعی شانه به شانه می روی آه که با رقیب من جانب خانه می روی بی خبر از کنار من ای نفس سپیده دم گرم تر از شراره ی آه شبانه می روی من به زبان اشک خود می دهمت سلام و تو بر سر آتش دلم همچو زبانه می روی در ننگه نیاز من موج امید ها تویی وه که چه مست و بی خبر سوی کرانه می روی گردش جام چشم تو هیچ به کام ما نشد تا به مراد مدعی همچو زمانه می روی حال که داستان من بهر تو شد فسانه ای باز بگو به خواب خوش با چه فسانه می روی؟

احساسات خود را بشناسید

زندگی بدون احساسات چگونه است؟ احتمالاً تاریک، دلگیر و دلتنگ کننده. اکثر مردم با احساسات موافق هستند، آنها به ظرفیت های احساسی خود واقفند و از آن مراقبت می کنند. احساسات به زندگی ما ارزش می دهد.

دانشمندان راه طولانی را همچنان برای درک آنچه انسان ها احساس می کنند؛ طی کرده اند. اما هنوز هم موضوع های بحث برانگیز و ناشناخته ای وجود دارد. احساسات خود را نادیده گرفته اید. اینجاست که احساسات در بقای ما بسیار مهم هستند. بدانید چطور احساسات می تواند تصمیم گیری را تحت تاثیر قرار دهد. احساسات به شدت توانایی ما را در تصمیم گیری کنترل می کند. احساسات به مضامین زندگی وزن و ارزش می دهند؛ در نتیجه می تواند پایانی برای یک تصمیم یا شروعی برای انجام یک کار باشد. مطالعات مختلف بر روی افرادی که دچار ضایعات مغزی هستند، نشان داده که آنها در تصمیم گیری با اختلالاتی روبروند و حتی در

احساسات خود را بشناسید. احساسات پاسخ تکامل یافته ای هستند که شما اجازه می دهید تا با محیط اطراف تطبیق داده شوند یا اینکه در پی برنامه ریزی برای تطبیق آن با محیط هستید. اجداد ما ظرفیت های احساسی مثل تجربه ترس را داشتند که آنها را محتاط تر می کرده و برای زنده ماندن و تداوم نسل از آن بهره می گرفتند. احساسات به دسته های اصلی مثبت و منفی تقسیم شده است. احساسات مثبت، آنهایی هستند که یک مزیت بالقوه دارند و مفید عمل می کنند ولی احساسات منفی در گذشته ریشه دارند یا پاسخ به موقعیت هایی هستند که مجبور به پرداخت هزینه و بها برای تقیل آن هستند.

احساسات خود را بشناسید.

احساسات اولیه را بشناسید. بسیاری از روانشناسان بر این توافق دارند که احساسات اولیه دقیقاً همان چیزی است که مثل دست ها، پاها یا چشم ها به انسان داده شده تا از خود مراقبت کند. احساسات عمومی شامل خشم، نفرت، ترس، شادی، غم و تعجب است. البته محققان این احساسات را گسترده تر کرده اند و تحقیر، غرور، شرم، عشق و اضطراب را نیز شامل این احساسات اولیه می دانند. البته احساسات اولیه بیش از این هاست که در هر فرهنگ، تجربه و کشوری متفاوت است.

از اهمیت نقش احساسات در زندگی آگاه شوید. احساسات نقش فوق العاده در بقای انسان دارد. باعث بروز توانایی ها و رشد می شوند و تصمیم گیری درست را برای ما امکان پذیر می کنند. ایده اینکه احساسات و عقل دچار تضاد و دوگانگی هستند، اشتباه است. در اینجا روشی که در آن احساسات منجر به بقا می شود را به شما نشان می دهیم:

تصور کنید که یک روز از خواب با احساس خجالت، شرم یا اضطراب اجتماعی بیدار



نسبت به عناصر زندگی است. اختلالات اضطرابی هم به شدت در حال گسترش است، زندگی روزمره و تنش های روزانه به این اضطراب ها دامن می زند. اسکیزوفرنی نیز یک اختلال احساسی است که خلق و خوی فرد را بسیار تحریک پذیر کرده و با افسردگی در ارتباط است. روند احساسات خود را یادداشت کنید. برای درک بیشتر احساسات، آنها را یادداشت کنید. درباره احساسات خاص، آنها که همواره با شما هستند و احساساتی که در روند زندگی تان اختلال ایجاد کرده اند را بنویسید. برای کسب اطلاعات بیشتر از احساسات خود، تجربیات و رخداد های زندگی را مدنظر قرار دهید، آنها کلید ورود به احساس شما و آنچه فکر می کنید هستند. به طور مثال، یادداشت کنید که چه چیزی احساس خشم را هنگام صرف ناهار در شما برانگیخته و چرا. با این کار حتی می توانید زمینه های بروز خشم را کاهش دهید یا چیزهایی که در شما احساس خوبی برمی انگیزند را پرورش دهید.

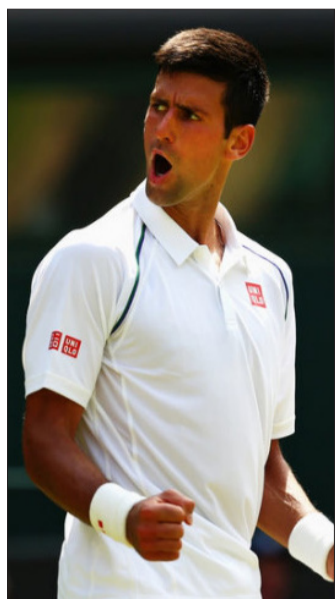
رفتارهای روزمره نیز دچار اختلال هستند. معروف ترین این موارد فیناس جی.گ، فردی است که در یک حادثه دچار آسیب مغزی شده و حالا در پردازش احساسات با مشکل روبروست. او به طور معجزه آسایی از تصادف جان سالم به در برده اما دیگر آدم سابق نیست. فیناس از خود احساسات غیرمنطقی و نامناسب نشان می دهد و در برابر وقایع پیش رو واکنش سریع و تندی دارد. یکی از دلایل اصلی این تغییر، آسیب به بخشی از مغز می باشد که وظیفه کنترل احساسات را به عهده داشته.

گروهی از انسان ها که اغلب با احساسات خود درگیرند، افرادی با مشکلات حاد روانی هستند. این افراد دارای اختلالات فکری و روانی اغلب شامل مجرمین جنایی می شوند. یکی از اصلی ترین معیارهای کلیدی تشخیص اختلالات روانی در این افراد فقدان احساسات است. چرا که این جانیان عاری از صفات احساسی چون عاطفه اند. آنها فاقد حس همدلی و گناه هستند که همین منجر به رفتارهای

نابغه باخت، رافا و مرد آهنی و سر اندی برنده شدند پسر بد باز جنجال آفرید



راجر فدرر



نواک جاکوویچ



اندی موری

دو داور مسابقه مجبور به دخالت شد. در تورنمنت تنیس دوبی اندی موری نفر اول جهان از اسکاتلند بر گاریسیا لویز اسپانیایی پیروز شد. اما خبر بد در این تورنمنت شکست راجر فدرر قهرمان گراندا اسلم ۲۰۱۷ استرالیا به دونسکوی تنیس باز روس و نفر ۱۱۶ جهان بود. فدرر این بازی را ۳ بر ۶، ۶ بر ۷ و ۶ بر ۶ باخت. در این بازیها توماس بردیچ نفر پنجم جهان نیز ۳ بر ۶، ۶ بر ۴ و ۴ بر ۶ مغلوب هاس از هلند شد.

معروف به پسر بد تنیس به کسانی که رقیب اسرائیلی او را تشویق می کردند با کلمات توهین آمیز واکنش نشان داد. کریوس بیست و یک ساله و نفر هفده تنیس جهان در پاسخ یک خبرنگار استرالیایی که از وی خواست از تماشاچیان عذرخواهی کند او را مسخره کرد. در پایان بازی دودی سلا تنیس باز اسرائیلی به شدت به کریوس اعتراض کرد، رفتار او را در جریان بازی تقبیح نمود و با آغاز جنگ لفظی میان آن

مسابقه های تنیس بین المللی مکزیک و دوبی چند روزی است با حضور تنیس بازان سرشناس آغاز شده است. در مکزیک نواک جاکوویچ نفر دوم جهان از صربستان خوان دل پورتو تنیس باز آرژانتینی را ۴ بر ۶، ۶ بر ۴ و ۴ بر ۶ مغلوب کرد. رافائل نادال تنیس باز اسپانیایی خیلی راحت ۶ بر یک و ۶ بر یک از لورنزی تنیس باز اهل ایتالیا برد. در جریان این مسابقات نیک کریوس تنیس باز جنجالی اهل استرالیا

زنان کشتی گیر ایران می توانند با لباس اسکی کشتی بگیرند



هیأت پنج نفره ای از مسئولان بخش کشتی زنان فدراسیون کشتی ایران به ژاپن سفر کرده اند تا از نزدیک با نحوه تمرین زنان کشتی گیر ژاپنی آشنا شوند. در حال حاضر دختران ایران تنها در رشته کشتی «کراپلینگ» فعالیت دارند که با پوششی مانند لباس کاراته روی تشک می روند اما آنها اجازه ندارند لباس مخصوص کشتی به تن داشته باشند. مسئولان کشتی زنان ایران در جلسهای با همتهای ژاپنی خود در مورد طراحی لباس مناسبی برای زنان کشتی گیر ایران تبادل نظر کردند. پیشنهاد ژاپنی ها این بود که دختران کشتی گیر ایران می توانند با پوششی مانند لباس زنان اسکی باز روی تشک مسابقه بروند که البته با چنین لباسی بعد از چند ثانیه عرق می کنند و گرمزده خواهند شد.

جهانبخش: باید با شکست چین و قطر به دور دوم جام جهانی برسیم



علیرضا جهانبخش بازیکن تیم پر طرفدار ناین خن هلند از مشهورترین فوتبالیست های ایرانی شاغل در تیم های اروپایی است. او در ماه های اخیر برای تیم ناین خن از لیگ برتر هلند چندین گل جالب به ثمر رسانده است.

جهانبخش در نوزده سالگی تیم «داماش گیلان» را ترک کرد و به تیم کنونی خود و فوتبال تراز اول هلند پیوست. او به سایت فدراسیون جهانی فوتبال گفته است: وقتی مدرسه می رفتم بازی های جام جهانی سال ۲۰۰۶ را با پدر و مادرم در تلویزیون تماشا می کردم. پدرم از علاقه شدید من به فوتبال خبر داشت و می گفت: روزی ترا در این تورنمنت بزرگ خواهیم دید، و چند سال بعد این اتفاق افتاد.

علیرضا افزود: در هلند یاد گرفتم فوتبالیست های حرفه ای چطور غذا

می خورند، تمرین می کنند و چگونه از خود مراقبت می نمایند، و امیدوارم از این تجربه ها در جام جهانی روسیه استفاده کنم. ما در جام جهانی قبلی بد شانس بودیم و با گل دقیقه نود لیونل مسی حذف شدیم.

شهادت مایکل فلیس قهرمان شنای جهان در کنگره آمریکا درباره دوپینگ



مایکل فلیس

ولادیمیر پوتین: حمایت مسکو از ورزشکاران متخلف دروغ است

مایکل فلیس دارنده بیشترین تعداد مدال در تاریخ المپیک این هفته با حضور در کنگره آمریکا به سناتورها گفت؛ برای جلوگیری از گسترش وحشتناک استفاده از مواد نیروزا توسط ورزشکاران ملی کشورها پیشقدم شوید. او گفت همیشه اعتقاد داشته ام که باید ریشه دوپینگ در ورزش جهان خشک شود. فلیس که ۳۱ سال دارد بیشترین تعداد مدال المپیک را در تاریخ این بازی ها به گردن آویخته است.

فلیس به دعوت مجلس نمایندگان برای ادای توضیحاتی در مورد فراگیر شدن استفاده از مواد نیروزا در جهان پیش از سخنرانی قسم یاد کرد. فلیس با دریافت بیست و سه مدال طلای المپیک صاحب یک رکورد دیگر در تاریخ این بازی ها است. از سال های اخیر نوک تیز حمله

تشویق ورزشکاران خود به استفاده از مواد نیروزا در بازی های بین المللی و المپیک متهم کرده است. به دنبال حضور مایکل فلیس در کنگره آمریکا ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه چهارشنبه این هفته گفت؛ ادعای حمایت و تشویق ورزشکاران روس برای استفاده از مواد نیروزا از سوی مسکو واقعیت ندارد.

متوجه ورزشکاران روسیه در میدان های ورزشی به ویژه بازی های المپیک بوده است به طوریکه در المپیک ریودژانیرو بیشتر اعضای کاروان این کشور به دلیل مثبت بودن نتیجه آزمایش آنها اجازه شرکت در بازی ها را به دست نیاوردند. وادا بخش کنترل مواد نیروزای آی.اوسی کمیته بین المللی المپیک در سال های اخیر دولت روسیه را به

مخالفت فیفا با انتخابات فدراسیون فوتبال افغانستان



محمود احمدی نژاد باعث تعلیق فوتبال ایران شد و نظیر همین وضع برای کویت و بحرین و چند کشور آفریقایی در این سال ها پیش آمده است. نگرانی فوتبال دوستان در افغانستان این است که دخالت چند تن از نمایندگان مجلس در انتخابات فدراسیون فوتبال این کشور که با واکنش «فیفا» روبرو شده می تواند منجر به تعلیق فوتبال افغانستان و محرومیت آن در بازی های مقدماتی جام ملت ها شود.

فدراسیون جهانی فوتبال «فیفا» به دلیل دخالت برخی مقامات افغانستان در انتخابات فدراسیون فوتبال آن کشور از برگزاری این انتخابات جلوگیری کرد. به گفته دبیرکل فدراسیون فوتبال افغانستان دخالت بعضی نمایندگان پارلمان آن کشور دلیل تصمیم فیفا بوده است. فیفا به دخالت و اعمال نفوذ مقامات دولت و نمایندگان پارلمان کشورها به امور مربوط به فوتبال حساسیت دارد و به آن واکنش جدی نشان می دهد، همین اتفاق در زمان

عضو تیم ملی اسکی ایران در فرودگاه فنلاند ناپدید شد



بازگشتند. سرپرست تیم اسکی گفت گذرنامه علیرضا مقدیه همراه خودش نیست او آن را به مسئول تیم سپرده بود و اینک بدون گذرنامه در فنلاند مانده است. پناهنده شدن اعضای تیم های ورزشی ایران به کشورهای میزبان مسابقات در سی و هشت سال گذشته به کرات اتفاق افتاده است.

تیم اسکی ایران که این هفته در مسابقات اسکی استقامت در فنلاند شرکت کرده بود به جز یک اسکی باز به نام ستار صید که به مرحله نهایی این مسابقات رسیده و مصطفی میرهاشمی سرمربی تیم ملی بقیه به فرودگاه رفتند تا به ایران بازگردند اما علیرضا مقدیه یکی از اعضای تیم در فرودگاه از کاروان جدا شد و ناپدید گردید ولی ورزشکاران دیگر به ایران

فوتسال ایران ششم جهان اول آسیا



سوم شد. آخرین رده بندی فوتسال دنیا چنین است:
۱- برزیل ۲- اسپانیا ۳- روسیه ۴- آرژانتین ۵- ایتالیا ۶- ایران

در آخرین رده بندی تیم های ملی فوتسال کشورها نام تیم فوتسال ایران ششم جهان و اول آسیا دیده می شود. ایران در مسابقات اخیر فوتسال جهان

جریمه های سنگین برای مشت زنان بسکتبالیست



محمد حسن زاده، محمدرضا اکبری و امیرحسین تاتاری هر یک سه میلیون تومان کیانوش شیروانی بدنساز تیم نفت نیز به پرداخت پنج میلیون تومان جریمه محکوم شد

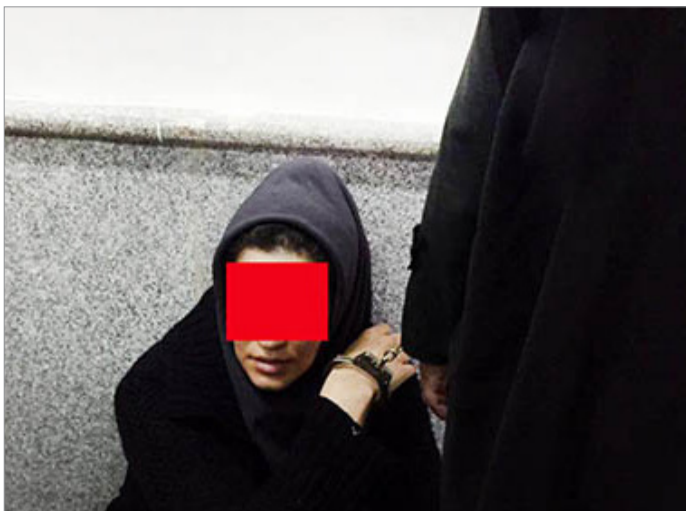
بازی میان تیم های نفت آبادان و شهرداری اراک از لیگ بسکتبال ایران به میدان زد و خورد بین بازیکنان دو طرف تبدیل شد و حتی یاران خارجی دو تیم نیز در این درگیری شرکت داشتند. محمود مشحون عضو تیم ملی بسکتبال پیش از انقلاب و رئیس کنونی فدراسیون بسکتبال ایران بعد از این حادثه از کمیته انضباطی فدراسیون خواست تنبیهاتی برای بازیکنان خاطی در نظر بگیرد. جریمه های مالی که برای بازیکنان درگیر در این کتک کاری اعلام شده چنین است: کوانتین هاسلی از تیم شهرداری اراک پنج میلیون تومان حامد سهراب پور بازیکن شهرداری اراک یک میلیون تومان مجید زارعی از شهرداری اراک سه میلیون تومان داور پناه بازیکن نفت آبادان پنج میلیون تومان

دوازده سال زندان برای پسر «پله»



«پله» فوتبالیست نام‌آور برزیل این روزها حال و روز خوشی ندارد. او به شدت از وضع زندگی خصوصی و اجتماعی «ادینیو» پسرش رنج می‌برد. ادینیو نیز مانند پدر در سطح حرفه‌ای فوتبال بازی می‌کرد و مدتی دروازه‌بان تیم معروف سانتوز بود. اتهام پسر پله پول‌شویی و قاچاق مواد مخدر است. او در سال ۲۰۱۴ در دادگاهی در برزیل به ۳۳ سال زندان محکوم شد اما دادگاه تجدید نظر مدت زندان او را به دوازده سال و ده ماه کاهش داد. ادینیو اتهامات خود را نپذیرفته و می‌گوید قربانی سیستم قضائی برزیل شده است.

شهلا پس از کشتن شوهرش، سپیده را هم به قتل رساند



زن میان‌سالی به نام شهلا که چند ماه پیش شوهرش را کشته بود هفته گذشته سپیده همسایه خود را نیز به خاطر سرقت طلاهای او به قتل رساند، بدنش را قطعه قطعه کرد و بعضی اعضای بدن او را در خانه و باقیمانده را با همکاری شخص دیگری در بیابان دفن کرد.

شهلا در جریان بازجویی به خاطر قتل سپیده به کشتن شوهرش نیز اعتراف کرد. او به کارآگاهان گفت شوهرم را چند ماه قبل به علت اختلافات شدید فیمابین با ضربات چاقو به قتل رساندم. برخی اعضای بدن او را در خانه و باقیمانده آن را در خارج شهر دفن کردم.

شهلا بعد از پیدا شدن قطعاتی از بدن سپیده همسایه خود در خانه‌اش به دنبال شکایت شوهر او به پلیس رفت، قصد کشتن سپیده را نداشتم فقط دنبال جواهرات او بودم. با همدستی لیلا یکی از دوستانم و برادر شوهرش وارد خانه او شدیم ولی سپیده با همدستان من درگیر شد و به زمین افتاد و مرد ما هم

جسد او را قطعه قطعه کردیم. شهلا در مورد قتل شوهرش نیز توضیح داد؛ من در شیراز زندگی می‌کردم و شوهرم در ایرانشهر بعد از ازدواج با او علیرغم مخالفت خانواده‌ام به ایرانشهر نقل مکان کردیم اما بعد از مدت کوتاهی روابط ما به شدت تیره و پر از اختلاف شد. در همان روزها با فرید برادر شوهر لیلا دوست شدم و رابطه برقرار کردم و بعد تصمیم به نابودی شوهرم گرفتم. کمک مردی که با او دوست شده بودم که همان برادر شوهر لیلا بود، همسرم را با چند ضربه چاقو به قتل رساندم، مچ دستش را در نورگیر خانه پنهان کردم و باقیمانده جسد او را در نقطه‌ای دفن کردیم. بازجویی از شهلا ادامه دارد.

اخراج، زندان، شلاق و جریمه برای یک خانم مدیر وزارت ورزش



چندی پیش دو تن از کارکنان وزارت ورزش به اتهام سوءاستفاده از مقام و موقعیت خود و ارتشاء بازداشت و محاکمه شدند. اینک نتیجه محاکمه این دو نفر که یکی از آنها خانم است اعلام شده است.

این مسئول که «اف - ام» معرفی شده به انضباط از خدمت، دو سال زندان، ۱۰ ضربه شلاق، ده میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شده است. قرار است تنبیهات متهم دیگر نیز به زودی اعلام شود.

تازه‌ترین خودکشی با پرتاب از روی پل اتوبان به علت فقر



آخرین آمار افرادی که زیر خط فقر در ایران زندگی می‌کنند کمی بیشتر از یازده میلیون نفر است. رئیس کمیته امداد آیت‌الله خمینی گفته است اگر خط فقر را حقوق ۸۱۲ هزار تومان در ماه در نظر بگیریم شمار

افراد زیر این خط به بیشتر از یازده میلیون نفر بالغ می‌شود. این هفته مرد میان‌سالی به دلیل مشکلات مالی خود را از فراز پل اتوبان صیاد شیرازی تهران به پایین پرتاب کرد و به طرز فجیعی جان باخت.

یک دوازده ساله دیگر خود را حلق آویز کرد



روبرو شد. سرهنگ کیانی رئیس پلیس گناباد گفت: این سومین خودکشی در ماه‌های اخیر در شهر ما است. وی اضافه کرد که خودکشی و طلاق در گناباد افزایش یافته است. گناباد در ۲۸۷ کیلومتری مشهد واقع شده است.

پسر دوازده ساله گنابادی سومین نوجوان دوازده ساله‌ای است که امسال خود را حلق آویز می‌کند. این دانش آموز که نامش اعلام نشده خود را در خانه به دار آویخت و مادر او نخستین کسی بود که با پیکر بی‌جان پسر نوجوان خود

دزد با دیدن صاحبخانه دستپاچه شد و از پشت‌بام سقوط کرد



دزدی که با همدستی دوست خود این هفته برای سرقت وارد خانه‌ای در تهران شده بود پس از جمع‌آوری مقداری اشیاء قیمتی قصد فرار داشت که ناگهان با صاحبخانه که از میهمانی به منزل بازگشته بود روبرو شد و از ترس دستپاچه شد و از پشت‌بام به خیابان سقوط کرد و جان باخت.

پلیس در تلاش شناسایی دزد بد شناس است.

مرد تبریزی دختران خود را کشت

یک پدر تبریزی پنجشنبه این هفته دو دختر ۳ و ۱۰ ساله‌اش را با ضربات متعدد چاقو در خانه خود در محله آخمیقه این شهر به قتل رساند.

سرهنگ اسماعیل‌پور از مسئولان پلیس تبریز گفت تحقیقات ما در مورد چگونگی و علت این فاجعه در حال انجام است. این حادثه هنگامی که فرزندان پدر قاتل در خواب بوده‌اند رخ داده است.



به مادرم گفتم به بیرون نگاه نکن گوش نداد، کشتمش



پسر معتادی که چند هفته پیش مادر و پسردهانی خود را با ضربات چاقو کشته بود، در دادگاه گفت مادرم از پنجره بیرون را نگاه می‌کرد، به او گفتم از پنجره کنار برود گوش نکرد او را کشتم. ارسال پسردهانی‌ام که در خانه ما بود با داد و فریاد به من اعتراض کرد او را هم با چند ضربه از پای درآوردم.

همسایه‌ها که از صدای فریادهای پسر نوجوان متوجه وقوع حادثه‌ای در خانه مجاور شده بودند به پلیس اطلاع دادند. مأموران با شکستن در وارد خانه شدند و با جنازه غرق در خون مادر قاتل و پسر ده ساله روبرو گردیدند. قاتل گفت معتاد به

مواد مخدر هستم او که بعد از کشتن دو نفر چند ضربه چاقو به بیمارستان بستری است.

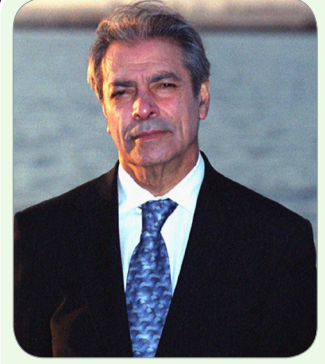
قاتل: یک نفر مرا هل داد، چاقو در شکم‌م فرو رفت



آهنی به آنها حمله کرد، علی برای من چاقو کشید، چاقو را از دستش گرفتم ناگهان کسی مرا هل داد و چاقو در شکم‌م فرو رفت!

مادر علی از دادگاه تقاضای اعدام قاتل پسرش را کرد.

دو برادر که در جریان یک درگیری علی بچه محل خود را کشته‌اند در دادگاه گفتند قتل علی عمدی نبود. یکی از برادرها گفت قرار بود در آن شب برای خواهرم خواستگار بیاید و از محل کار عازم خانه بودیم که علی با شخص دیگری مقابل مغازه صافکاری ما درگیر شدند و گویا دعوا بر سر مقدار زیادی پول بود، پدرم از خانه‌اش که در نزدیکی مغازه است سر و صداها را شنیده بود به علی و طرف دیگر دعوا گفت لطفا ساکت باشید ما میهمان داریم. قضیه خاتمه یافت آنها رفتند، بعد از چند دقیقه برادرم آمد مغازه پیش من در همان موقع علی و یکی از دوستانش که مشروب خورده بودند هم دوباره آمدند آنجا و جر و بحث بین ما در گرفت. برادرم با میله



داريوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داريوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

رازشهر

رستگاری در روانپارگی

کیهان لندن شماره ۱۲۲۶ - ۱۱ مهر ماه ۱۳۸۷

می‌شود جهان را از سوراخ یک رویداد کم‌اهمیت تاریخی دید و اندوه انباشته هزار ساله، راه اندوهی که به دقت اداره و بدان دامن زده شده است، سرمایه «خوشبختی» این جهان و رستگاری آن جهان گردانید؟ اجتماع بزرگ ایرانیان بیرون با دست گشاده‌ای که از هر نظر دارد می‌تواند پیشگام زنده کردن پاره‌ای

در این تیرگی نومیدی‌آور که فضای ملی ما را فرو گرفته است یادآوری گاهگاهی اینکه ما مردمان دیگری هم بوده‌ایم و باز می‌توانیم بشویم، برای تکان دادن ذهن‌های «خو کرده به تنگنا» جهان‌بینی مرگبار آخوندی سودمند است. مهدی اخوان زمانی در شعر بلندی سراسر افسوس، ایرانی را «که روزی روزگاری شیچراغ روزگاران



ایران شده است و هر سال تا هزاران تن در پارک‌ها (بزرگ‌ترین در آرنج کانتی کالیفرنیا) گردمی‌آیند و نمایش کمبایی از ادب و پاکیزگی و نظم می‌دهند. اموختن از گذشته‌های ایران که با خودسنائی و احساس برتری تفاوت دارد تنها یک نیاز روانشناسی برای ملتی شکست خورده نیست که نمی‌داند شرمساری داشتن چنین نظام حکومتی را به کجا ببرد. ما خود را به دست خویش چنان کوچک کرده‌ایم که دیگر نمی‌توان به ما نسبت شوونیسم داد. ولی در این زمین خوردگی ملی اگر پیشینه بزرگ ایران به یاری بیاید و دمی احساس والاتی را در ضمیر ملت بیدار کند از آن نمی‌باید به طعنه این و آن روی برتافت. تفاوت بزرگ ما با این جغرافیای شوره‌بخت سرنوشت ما، در همین است، در روانپارگی تاریخی ماست. رویکرد ما به خود، به آنچه هویت ملی می‌نامند، یکدست نیست و از همین دوپارگی فرهنگی و تاریخی است که می‌توانیم برای بازسازی خود بهره بگیریم. سده‌ها تکیه را بر یک پاره، بر هویت مذهبی، گذاشتیم و هنوز داریم بهای آن را می‌پردازیم. اکنون تکیه بر پاره دیگر، بر پاره ایرانی، گذاشته می‌شود. انسان نمی‌تواند کارهای نسل جوان‌تر روشنفکران ایرانی را دنبال کند و از امید به آینده این ملت، ملتی که پیش از هر چیز ایرانی و پیچیده در افسون «ایده ایران» خواهد بود، سرشار نشود. این ایده ایران در یک تاریخ استثنائی است و در یک ادبیات باز هم استثنائی و یک میتولوژی دلکش و انسانی، یکی از انسانی‌ترین میتولوژی‌ها. کاه و داده‌اند که نوروز و مهرگان و سده و ... فردوسی یک گوشه آن است، زرتشت و مولوی گوشه دیگر آن (جا برای همه نام‌ها نیست). از خشونت و نامردمی و

جشن‌های مردمی ما باشد. به عنوان نمونه مرکز کانادائی - ایرانی در تورونتو جشنواره‌ای در ماه ژوئن امسال به نام جشنواره تیرگان برپا کرد که سه روز صحنه هنر نمائی هنرمندانی از امریکا و اروپا و ایران بود و ایرانیان به شمار فراوان در آن شرکت جستند. جشنواره همچنین فرصتی برای آشنائی بیشتر با انسایکلوپدیای ایرانیکا و شاهنامه دکتر خالقی مطلق و نمایش عکس‌هایی از دوران مشروطیت بود. درونمایه اصلی جشنواره تیرگان افسانه آرش است که دکتر یار شاطر به درستی آن را یکی از گیراترین افسانه‌های ایرانی می‌داند. آرش جان خود را در یک تیر برتاب گذاشت و آن تیر نمروزی در پرواز بود و سرانجام بر تنه درختی نشست و مرز ایران و توران را نشانه گذاشت. سیاوش کسرائی در منظومه آرش کمانگیر شیوا ترین روایت شعری آن را گفته است، و شاهرخ مشکین قلم در جشنواره روایت زیبایی آن را به رقص نمایش داد. تیرگان از همه رو شایستگی آن را دارد که هر سال گرفته شود. از زیبایی خود افسانه که گذریم نسل تازه ایرانیانی که فوبکلور مذهبی آخوندی بزرگ شده است حتی اگر از بسیاری باورهای آن آزاد باشد، که هست، نیاز دارد که جهان را بیرون از معامله هر روزه با خداوند برای برطرف کردن دشواری‌ها و رسیدن به خواست‌های شخصی و زندگی جاویدان در بهشت ببیند. آرش کمانگیر آرمان جانپنازی بی‌چشمداشت است - درست بر خلاف شهید - و آرمان پیروزی بی‌خشونت است. مردی همه نیروی زندگی خود را در تیر و کمان ش می‌گذارد به امید آنکه مرز کشورش را تا آمو دریا بکشاند. جان او همراه تیر از تن می‌رود ولی آمو دریا مرز ایران می‌شود. * * *

این روزها همزمان با مهر ماه است و شانزده مهر روز جشن بزرگ مهرگان است، جشن پائیز، هنگامی که مردمان ارمن‌های تاپستان را گرد کرده با شادی به پیشباز سرما و زمستان می‌رفتند. مهرگان در ایران اهمیتی دست کم به اندازه نوروز داشت، به اندازه‌ای که در عربی به جشن و جشنواره مهرجان می‌گویند (عرب‌ها بر خلاف ادیبان سنتی ایرانی که از «مهران» نیز دست بردار نیستند، حتی اگر ضرورت آوائی نباشد، واژه‌ها و حتی نام‌های وام‌گرفته را معرب می‌کنند) می‌توان در هفته دوم اکتبر یک شنبه‌ای

بود» چنین تصویر کرد: «اگر تیر و اگر دی، هر کجا و کی/ به فر سور و آذین‌ها، بهاران در بهاران بود.» هیچ تمدن دیگری را نمی‌توان نشان داد که مانند دوران پیش از اسلام ایران هر ماه یک جشن همگانی داشته بوده باشد. ایرانیان بر هر روز ماه نامی نهاده بودند، از جمله نام ماه‌ها را، و هرگاه نام روز بر نام ماه می‌افتاد آن روز جشن گرفته می‌شد. مردمی بودند که سختی‌های روزگار را با شادی و خوشبینی، باز از همان شعر، «با آفرین و نیایش و سرود آتش و خورشید و باران» بر خود آسان می‌کردند. امروز بیشترین تسلا - و نزدیک‌ترین راه بهشت - برای مردم ما «گریستن بر خاندان» شده است. رستم فرخزاد شاهنامه در نامعاش زمانه ما را چنین پیش‌بینی می‌کرد: «چنان فاش گردد غم و رنج و شور / که رامش به هنگام بهرام گور.» (رامش را می‌توان به جای entertainment به کار برد). ولی او نیز نمی‌توانست تصور ملتی را بکند که تفریحش عزاداری است و از دهان خود می‌زند و به نمایشگرانی entertainer به نام روضه خوان و مداح می‌دهد که او را بیشتر بگیرانند؛ و به گریه بس نکرده بر سر و سینه می‌کوبد و تیزی قمه را با فرق سری که از اندیشه خالی‌اش کرده‌اند آشنا می‌کند. بزرگ‌ترین فعالیت اجتماعی‌اش گرد آمدن در تکیه و حسینیه و دسته سینه‌زنی است؛ و باز مزه و زاری و تظاهر به گریستن، که خمینی می‌گفت آن نیز برای رفتن به بهشت بس خواهد بود. (کدام رهبری مذهبی دیگری در جهان بیرون رفتن از قلمرو اخلاق را به این اندازه آسان، حتی پسندیده، گردانیده است؟) ما اکنون نمی‌توانیم مانند نیاکان خود به هر بهانه جشنی برپا داریم و روزی‌مان آن باشد که «شب و روز به شادی بگذاریم.» برای مردمی که سنگینی زندگانی در کشوری ناشاد کمرشان را خم کرده است از این تجملات نمی‌توان گفت. با اینهمه ایرانیان نوروز را در روزگرانی که رنگ زندگانی، بدتر از امروز، با سرخی خون می‌بود و با سیاهی ارتجاع، نگه داشتند و نوروز ما را نگه داشت. در این گونه مراسم نیروی زندگی چنان جاری است که نه سرخی خون از آن بر می‌آید و نه سیاهی ارتجاع. زنده کردن و آفریدن یکی دو جشن دیگر، مانند سده، هم بی دشواری زیاد میسر است و هم به نیاز طبیعی مردم پاسخ می‌گوید. تا کی

فرقه مجاهدین تبریز و قفقاز کردند و از زبان آنها الفاظ کفرآمیز و موهن نسبت به شریعت اسلام، ساخته و انتشار دادند و از طرف رؤسای فرقه ضاله بابیه الواح ساخته و در تمجید و تحسین عده‌ای از وکلا و برخی از واعظین که به دیانت موصوف و به وطن‌پرستی معروفند، هرچه خواستند نوشتند و چنین وانمود کردند که تأسیس مجلس شورا نعوذ بالله مخالف با مذهب اسلام و رواج بازار کاسد بابی‌هاست، و خدمت به مجلس خدمت به طایفه ضاله بابیه می‌باشد.» این قسمت از مقاله، اشاره به واقعه‌ای است که در تهران رخ داده بود. حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی شرح واقعه را در خاطرات خود چنین می‌نگارد: «در شب دوشنبه سیم ربیع‌الثانی

«ادامه دارد»

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۹)

(کیهان لندن شماره ۱۱۸۹)

احمد احرار

از ما هستند. همه این کارها را ما کردیم که آزادی پیدا کنیم و از پرده خفا درآییم. حالا اگر شاه به ما آزادی داد ما خود مجلس را بر هم خواهیم زد و خاطر شاه را از این جهت آسوده خواهیم کرد و اگر نکرد، ما هم چنین و چنان خواهیم کرد. حاج ابوالحسن مشغول خواندن اعلان است که پیش روی او، پلیس‌های بازار بعضی از این اعلان‌ها را کنده، در دست دارند و می‌آیند. حاج ابوالحسن به آنها می‌گوید پیر مردی با سیدجوانی را دیدم این اعلان‌ها را می‌چسباند و از این طرف رفتند. پلیس آنها را تعاقب می‌نماید و پیر مرد گرفتار می‌شود. او را با بسته‌ی اعلان و ظرف سریش که در دست داشته من نوکر سید علی استنطاق می‌گوید من نوکر سید علی یزدی هستم. سید علی آقا یزدی یکی از ملاحدها، در زمان مظفرالدین شاه



فرقه مجاهدین تبریز و قفقاز کردند و از زبان آنها الفاظ کفرآمیز و موهن نسبت به شریعت اسلام، ساخته و انتشار دادند و از طرف رؤسای فرقه ضاله بابیه الواح ساخته و در تمجید و تحسین عده‌ای از وکلا و برخی از واعظین که به دیانت موصوف و به وطن‌پرستی معروفند، هرچه خواستند نوشتند و چنین وانمود کردند که تأسیس مجلس شورا نعوذ بالله مخالف با مذهب اسلام و رواج بازار کاسد بابی‌هاست، و خدمت به مجلس خدمت به طایفه ضاله بابیه می‌باشد.» این قسمت از مقاله، اشاره به واقعه‌ای است که در تهران رخ داده بود. حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی شرح واقعه را در خاطرات خود چنین می‌نگارد: «در شب دوشنبه سیم ربیع‌الثانی



عالم‌نماها، صرف‌نظر از تفتیش در علم و دین و تقوی و ورع آنها مسبوقید. و می‌دانید که در نظر عامه، امام زاری و شریح قاضی یکی است و آن که حقیقت را از مجاز فرق دهد در میانه نیست. به‌نظر من باید حالا چند نفر از این تجار دین را دید و دعای دینی آنها را به درهم معدود خرید. آن وقت خود آنها را برای القای شبهه به جان عوام انداخت و کار آزادپخواهان و مشروطه‌طلبان را به یکبارگی ساخت. گذشته از این، خود ما هم از گوشه و کنار دست به کار می‌زیم

«ادامه دارد»

شاه گفت: «پس با توفان هم مواجه شدی؟ تعریف کن بشنوم حاجی. هرچه در دل داری برآیمان بگو.» با ظرافت، دست به نقد گفت: «خاطر همایونی ان‌شاءالله همیشه خشود باشد، در بازگشت از انگلستان به استانبول، با توفانی مواجه شدیم آنقدر عظیم که نگاه کردن از بالای عرشه به داخل دریا و دیدن این که با چه سرعتی دست اندرکار انجام خدمات ملوکانه هستیم، جسارت می‌خواست. و تصادفاً دهان من باز ماند و توفان شدید وارد دهانم شد و سه دندان این غلام را کند و به گلویش فرستاد.» در پی این سخن دهان باز کردم و جای زخمی که بر اثر لگد اسب کردها پدید آمده بود، نشان دادم.

واقعاً چنین بادی وزیدن گرفت؟ شنیده‌ام که در همین اطراف خودمان بادهایی از البرزکوه می‌وزد که ریش را از زنخدان جدا می‌کند، اما تاکنون چنین چیزی از خاطرمان نگذشته بود.

از بخت خوش بود که آن ماجرای تلخ لگد کوبیدن اسب به دهانم را به یک چنین قصه شیرینی بدل کردم، چرا که به‌وضوح مشهود بود که صحبت‌های من سخت به دل شاه نشست و من تکیه کردم به نبوغ خود تا همه رنج‌های واقعی یا خیالی‌ای را که در طول سفر تحمل کرده بودم، به امتیازات و شایستگی‌ها بدل کنم و اگر ممکن شود، برای خود موقعیتی دائمی در دربار دست و پا کنم. آنگاه

وارد جزئیات سفر شدم. از مسائل خصوصی صحبت کردم و نام‌رادی‌هایی که با آن مواجه شدیم و حقارت‌هایی که کشیدیم و فاصله داشتن تا مرگ به‌اندازه یک تار مو و کشتی غرق شده و از برخورد با دزدان دریایی و هیولاهای اعماق آنها که همه اینها بر قوه تخیل شاه محبوب من آنچنان اثر گذاشت که به نشاط آمد و دستور داد فوراً بر من خلعت ببوشانند.

دیگر چه بگویم؟ از دربار شاهی مرخص شدم و از شادی سر بر آسمان می‌ساییدم. کلام غرورآفرین پناه عالمیان در اعماق قلبم جای گرفته بود. همگان با من به‌جهت آن که اعلیحضرت اینچنین مهرآمیز مرا پذیرا شده بودند، با حرمت بسیار رفتار می‌کردند و چه‌بسا هر آدم عاقلی بگوید که دیگر از این بالاتر چه آرزو می‌توانی داشته باشی. اما مرا ببخشید که می‌گویم هنوز آرزوی دیگری دارم. اجازه بدهید که بگویم آرزویم این است که خان شوم.

آرزو دارم در سراسر شهر به مدت سه روز رژه بروم در حالی که فرمان خانی را به کلاه خود نصب کرده‌ام. این آرزو را آنقدر نزد خود تکرار کردم که این احساس در من پدید آمد که این حق من است. زنگ صدای میرزا حاجی باباخان در گوشم آنچنان طبیعی می‌نمود که دیگر تردیدی به خود راه ندادم که چنین لطفی از من دریغ شود، آنگاه آرام آرام این انتظار خود را به اشاره ابراز داشتم. راستش امید بسیاری داشتم که این آرزوها تحقق یابد و در واقع شاه با لفظ مبارک خود چه از سر عمد یا بر اثر اشتباه به‌جای آن که مرا میرزا خطاب کند، خان نامید.

اما همانطور که پیش از این گفتم، وزیر اعظم با من دوستی نداشت و گوش او بدهکار هرچه در دربار به‌صراحت می‌شنید، نبود، او احساس می‌کرد اگر قرار باشد من خان شوم پس سفیر که خویش سببی او بود، در بازگشت باید چه لقبی بگیرد؟ به‌علاوه چه‌طور می‌توانست دست حمایت خود را بر شانه کسی بگذارد که نوچه و مخلوق خطرناکترین دشمن او یعنی صدر اعظم قبلی بود.

به‌رغم ناامیدی‌هایم هنوز به‌امید زنده‌ام. در این احوال دل خوش داشته‌ام به پولی که به هنگام عزیمت دفن کرده‌ام و دانستم که دست نخورده باقی مانده است. روزهایم را با نقل ماجراهای پر شگفتی که در سفر داشته‌ام می‌گذرانم. من این امتیاز را داشته‌ام که در حضور شاه بایستم و که می‌داند؟ زمان و زبان در تحقق آرزوهایم یاری‌ام ندهند و چمچه جاه‌طلبی‌هایم را پر نکنند. و اکنون خواننده عزیز، حاجی بابا پای شما را می‌بوسد و کف حمایت شما را می‌طلبد و آرزو دارد که سایه شما کم نشود.

باز نشر

حاجی بابا اصفهانی در انگلستان (بخش پایانی)

وزیر اعظم گفت حافظ سگ کی بوده باشد که بتواند مانند اعلیحضرت شعر بگوید!

شاه جواب داد: مزخرف نگو، ما خودمان شعر می‌سراییم اما آن شاعر ناکس دارای

استعدادی است که کسی نظیرش را ندیده است.



بزرگوار میرزا حاجی بابا اصفهانی در انگلستان

برگرداند و ایران را با تصویری همانند دوران خاقان مغفور و حاجی بابای اصفهانی و ملاهای جهادگر به ندیای قرن بیست و یکم معرفی کند.

از این سرزنش‌هایم به لکنک افتاد، اما به خود جرأتی داده و با شور و شوق ادامه دادم: «به نمک شاه قسم، ان‌شاءالله که سر برگردنم نماند - جانم فدای شاه - قسم می‌خورم هر آنچه دیدم به‌عرض ملوکانه می‌رسانم و اگر یک فرنگی اینجا بود و اگر مرد باشد، سخن مرا تأیید می‌کند.»

شاه نرم شده از جدی بودن من و گفت: «بگو. آخر کدام بخاری است که چنین قدرتی داشته باشد که یک چنان جادویی را به حرکت آورد؟»

آنگاه آنچه از موتور بخاری می‌دانستم و شیوه عمل کردن آن روی چرخهای کشتی بازگفتم.



اعلیحضرت گفت: «آنها برای تولید بخار کافی برای یک چنین مقصودی باید روی عرشه پدر همه کتری‌ها و پدر پدر بزرگ دیگ‌ها را بیاورند، دیگی که یک شتر یا لاقل یک گوسفند در آن جای گیرد.»

اعلیحضرت بفرمایند شترها، یک قافله شتر در آن جا می‌گیرد. شاه در حالی که در بحر تفکر فرو رفته بود، گفت: «عجیب است، عجیب. بنابراین با این وصف آنان می‌توانند دوربین‌هایی بسازند که آن سوی کوهها را نشان دهد.» و خطاب به وزیر گفت: «دستور بده تعدادی از این دوربین‌ها را بفرستند.»

وزیر به آرامی و ملایمت گفت: «به‌روی چشم.» اعلیحضرت خطاب به من گفت: «دیگر چه دیدی حاجی؟ اما حواست جمع باشد که دروغ نگویی. در غیر این صورت به ریش شاه قسم آدم بی‌ترحمی می‌شوم.» گفتیم: «به‌روی چشم. شگفتی‌های معجزه‌آسایی را دیدم که همه از لطف و مرحمت اعلیحضرت دیده‌ام. همه

میلادی (برابر با ۱۲۲۴ هجری قمری) از طرف فتحعلی شاه قاجار به عنوان سفیر به دربار «سنت جیمز» اعزام شد و جیمز موریه در این سفر به عنوان مترجم و راهنما او را همراهی می‌کرد. ماجراهای «حاجی بابای اصفهانی در انگلستان» فرآورده این سفر است و دیپلمات انگلیسی، همانند کتاب اولش «ماجراهای حاجی بابای اصفهانی»، با طنزی خاص برخورد حاجی بابا را - که بعداً وزیر دول خارجه و صدراعظم ایران شد - با دنیای کاملاً متفاوت غرب تصویر می‌کند.

کتاب اخیر جیمز موریه، برخلاف کتاب اول او، در ایران شناخته‌شده نبود. این کتاب که در سال ۱۹۸۶ توسط روبر پپن (Robert Pepin) از انگلیسی به فرانسه ترجمه شد، در سال ۱۳۷۹ با ترجمه آقای مهدی افشار (از انگلیسی به فارسی) انتشار

یافته و ما بخش‌هایی از آن را در صفحه «خاطرات و تاریخ» نقل می‌کنیم. مترجم در مقدمه کتاب، به این نکته قابل تأمل اشاره می‌کند که «کتاب، طنزی است تلخ از شرایط اجتماعی و سیاسی ایران و جای حیرت است که پس از دو‌بیست سال بسیاری از ویژگی‌های آئینی ایرانیان همچنان بر جای مانده و نقدپذیر می‌نمایند. حاجی بابای اصفهانی در انگلستان در واقع آئینه‌ای است روشن و شفاف در برابر چهره‌مان، تا خود را بازنگریم با تعمق و تأمل بیشتر.»

زمانی حجت‌الاسلام رفسنجانی گفت شاه می‌خواست قم را تبدیل به تهران کند، خدا نخواست و موفق نشد. ما موفق شدیم تهران را به قم تبدیل کنیم چون خواست خدا چنین بود. گویا خواست خدا این نیز بوده است که عقربه زمان را دو‌بیست سال به عقب

اشاران بتوانند امثال امر کرده و فرمان را اجابت کنند. شاه گفت: «حرف مفت زن. من زن فرنگی می‌خواهم.» آنگاه به طرف وزیر برگشت و گفت: «دیگر از آن کشور چه چیز می‌خواستیم؟ در خاطرت چیزی مانده؟»

وزیر گفت: «قربان خاک پای ملوکانه، غلام شما فکر می‌کند جنابعالی یک دوربین می‌خواستید.»

شاه به‌خاطر آورد و گفت: «درست است یک دوربین می‌خواستم. یک دوربین سحرآمیز.» و خطاب به من با کمی تردید گفت: «راست است که آنان در آن کشور دوربینی می‌سازند که

در پی این سخن، وزیر گفت: «ما‌شاءالله به این درایت و لطافت کلام، به دانایی شاه راه نمی‌یابد، و ما باید فریاد برآوریم توکل بر خدا.»

اعلیحضرت گفت: «پس آنان شاعر دارند. دیگر چه دارند؟ گفته شده که زنهایشان مقبول هستند، این حرف راست است؟»

گفتم: «در این خصوص تردیدی نیست. آنان شایسته این هستند که آن گونه که غلامتان فکر می‌کند، در حضور اعلیحضرت حاضر شوند.»

شاه گفت: «که این طور؟ ما از همه ملیت‌ها در اینجا زن داریم، چرک‌زی، گرچی، ارمنی، یهودی، نیاز به یک زن فرنگی داریم تا این گروه را کامل کند. چرا برای شاه یکی از آنان را هدیه نیاوردی حاجی؟! به‌جان شاه اگر یکی از آنان را می‌آوردی در نگاه ما مقامی والا می‌یافتی.»

چه عرض کنم اعلیحضرتا؟ غلام شما قصور کرده است. از خیل زنانی که دیدم، کسی را نیافتم که شایسته حرمسرای همایونی باشد. اما اگر اعلیحضرت به سفیر خود که هنوز در انگلستان است امر فرمایند، شاید

جیمز موریه، دیپلمات انگلیسی، دو بار در ایران مأموریت داشت، بار اول از ۱۸۰۸ تا ۱۸۰۹ میلادی و نوبت دوم از ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۴ به عنوان کاردار سفارت انگلیس در تهران.

ضمن این مأموریت‌ها، موریه که علاقه زیادی هم به تفحص در احوال و آداب مردم مشرق‌زمین داشت، با حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی روابط نزدیکی به هم رسانید و او را نمونه کامل عیاری از رجال سیاسی ایران در آن عصر و زمان یافت. خلیقات و خصوصیات این دولتمرد دربار فتحعلی شاه را جیمز موریه در وجود «حاجی بابای اصفهانی» قالب ریزی کرده و در عین حال تصویرگر اوضاع و احوال عمومی سرزمین حاجی بابا پرور ایران در آن دوره است. حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی معروف به ایلچی (سفیر) در سال ۱۸۰۹

فرنگستان هم شاعر دارد؟ - قربان خاک پای همایونی! شاعر دارد اما حافظ و سعدی کجا و آنان کجا؟ ان‌شاءالله که خداوند مرا خواهد بخشید.

شاه گفت: «مگر آنان لبلیل ندارند؟ حرف بزن، حرف تو را قبول دارم.» گفتم: «بلبل ندارند، اما سگ فراوان دارند.»

شاه از ظریف‌گویی من خوشش آمد و با خنده‌ای بلند این خوش‌آمدگویی را نشان داد و گفت: «جان شاه گل گفتی حاجی و آنان حتماً در وصف سگ‌هایشان می‌سرایند؟»

در پی این سخن، وزیر گفت: «گفتم: «جانم پیشکشی اعلیحضرت است و فدایی ایشان. هرچه این غلام دارد، پیشکشی اعلیحضرت است. بیست سکه طلای فرنگی آورده‌ام تا به آستان شاهی تقدیم دارم.»

در پی این سخن بخشی از پولی را که از فرنگ آورده در صره‌ای نهاده در جیب بغل خود جای داده بودم بیرون آوردم. آن سکه‌ها را در سینی طلایی که فراش آورد و در پیش شاه نهاد، جای دادم.

اعلیحضرت به وزیر گفت: «حاجی بابا خدمتگزار خوبی است. او روسفید بازگشته. او آبروی شاه را آن گونه که باید حفظ کرده.»

وزیر اعظم گفت: «بله قربان. همینطور است، هر کجا که اعلیحضرت نزول اجلال فرمایند روی‌ها سفید خواهند شد.»

در پی این سخن قلیانی برای شاه آورده شد که با یک عمیقی نشاطی به خود داد و آنگاه با نگاه آرزویی به من نگرست و گفت: «خوب حاجی! پس تو فرنگستان را دیده‌ای. چه‌طور جایی است؟»

گفتم: «از لطف و عنایت ملوکانه جای بدی نیست.» - جان‌نثار فدای شما، قابل قیاس نیست.

درست است، درست است. هر کشوری باید زیباییهای خود را داشته باشد. اما کجا، جایی مثل ایران یافت می‌شود؟ و روی به وزیر گرداند و این غزل حافظ را بازخواند که مطلعش چنین است:

خوشا شیراز و وصف بی‌مثالش خداوندانگهدار از زوالش

وزیر گفت: «آی بارک‌الله، چه زیبا سرودید، حافظ سگ که باشد که بتواند شعری که شاه ایران به این زیبایی سروده، بسراید و بخواند.»

اعلیحضرت در حالی که به تأسف سر تکان می‌دادند، گفتند: «مزخرف نگو! ما خودمان شعر می‌سراییم اما در واقع آن شاعر ناکس دارای استعداد و هوشی است که کسی نظیر او را ندیده است. او شیرازی بود و حقاً که زاده آنجاست.» آنگاه به طرف من برگشت و گفت:

رعایت حقوق بشر نیاز به حاکمیت قانون دارد



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

بین‌المللی مدافع حقوق انسانی قرار داشته است.

سازمان ملل متحد بیش از ۶۰ قطعهنامه در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران به ویژه شمار بالای اعدام‌ها صادر کرده که آخرین آن در ماه اکتبر ۲۰۱۶ بود که با لحنی تندتر از گذشته تهیه و تنظیم شده بود.

در مقابل، تهران این قطعنامه‌ها را با این استدلال که با انگیزه‌های سیاسی تهیه می‌شود رد کرده و مدعی است که حقوق بشر در جمهوری اسلامی به بهترین وجه ممکن رعایت می‌شود.

بیزن فرهودی وضعیت حقوق بشر در ایران و چگونگی بهبود آن را با مهرانگیز کار حقوقدان، فعال حقوق زنان و رییس «بنیاد سیامک پورزند» که برای شرکت در سمیناری در زمینه حقوق بشر به لندن آمده مورد بررسی قرار داده است.

پذیرفت.

● **اعضای موثر شورای امنیت مثل روسیه و چین مانع از اعمال فشار بر جمهوری اسلامی به دلیل نقض حقوق بشر در ایران می‌شوند.**

● **«بنیاد سیامک پورزند» بنیادی است کوچک با بودجه‌ای اندک که از هنرمندان جوانی که به علت سانسور از ایران خارج می‌شوند حمایت می‌کند.**

طی ۳۸ سالی که از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد کارنامه حقوق بشر ایران پیوسته مورد انتقاد شدید مراجع

● **حجت‌الاسلام روحانی و دولت او در بهبود وضعیت حقوق بشر ایران با شکست روبرو شده‌اند.**

● **جمهوری اسلامی پیوسته نگاهی امنیتی به مساله حقوق بشر داشته است.**

● **ماهیت این نظام ماهیتی دینی با تفسیر رادیکال و افراطی از اسلام است که با تفاسیر میانه‌رو و معتدل تفاوت دارد.**

● **جمهوری اسلامی در شکل و ماهیت کنونی‌اش هیچگاه قطعنامه‌های حقوق بشر سازمان ملل را نخواهد**

● **دختر شما لیلیا نتوانست دوام بیاورد. او و یکی از پسران‌تان، علیرضا، خودکشی کردند.**

و این زخمی در قلب من است که درمان نمی‌شود. هر دو آنها بسیار با هوش و با استعداد بودند و تلاش می‌کردند مشکلات خود را حل کنند. من اغلب از خود می‌پرسم، برای اینکه چنین نمی‌شد، آیا من می‌توانستم کاری انجام دهم و نندادم؟ آنها دیگر در میان ما نیستند. در خیابان به فرزندان من نگاه می‌کردند و می‌گفتند «مرگ بر شاه». ما از این محل به آن محل می‌رفتیم. آنها جوان بودند و در روزنامه تلویزیون مطالب بسیار بد و منفی می‌خواندند یا می‌دیدند. خدا می‌داند که متحمل چه رنج‌هایی شدند.

● **و آینده ایران؟**

می‌خواهم در این مورد همچنان خوش‌بین بمانم. کشور ما در طول تاریخ طولانی‌اش بارها مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته و با این وجود هویت خود را همواره حفظ کرده است. انسان‌های این سرزمین بسیار شجاع هستند، به ویژه زنان ما، آنها شجاع‌تر از مردان ما هستند.

● **بانو فرح پهلوی، از شما برای این گفتگو بسیار سپاسگزاریم.**

درخت سروی که سرش را می‌تراشیدند تا از آن قلیان بسازند؛ مدام روی سرش آتش بگذازند. درخت سرو یکی از زیباترین اجزای اولین نیز به شمار



ثمین و اولین باغچه بان

می‌آمد:

درخت سرو بودم کنج پیشه تراشیدن منو با ضرب تیشه تراشیدن منو قلیون بسازن که آتیش بر سرم باشه همیشه

از صفحه ۵

● **پس از فرار از ایران، هیچ کشوری به شما و همسران‌تان پناه نمی‌داد. چگونه می‌شود از چنین سقوط بزرگی جان سالم به در برد و زنده ماند؟**

هم ورزش به من کمک کرد و هم عده زیادی بودند که به من کمک کردند. من همواره می‌دانستم که همسرم چه کسی است و چه کارهایی کرده است و خودم چه کسی هستم. من صرفاً به دلیل اهمیت و ارزشی که برای زندگی قائل بودم، همواره تلاش داشتیم روحیه همسر و فرزندان‌ام را تقویت کنیم تا قوی بمانند و برایم روشن بود که غم و رنج ما برای دشمن کاملاً بی تفاوت است.

● **آیا شما دچار افسردگی هم شدید؟**

بله، و پیش روان‌پزشک می‌رفتم. برای مدتی هم از دارو استفاده می‌کردم. اما استفاده از دارو همه چیز را بدتر می‌کند. امروز به خودم می‌گویم، من تا به اینجا رسیده‌ام، ۳۸ سال گذشته است، و اگر قرار باشد روزی بیایتم، خوب افتاده‌ام، همین که هست، کاری نمی‌شود کرد واقعیت‌ها را باید پذیرفت.

از صفحه ۵

درخت سرو بودم ...

اولین باغچه‌بان به زودی به شهره‌ترین خواننده موسیقی بین‌المللی تبدیل شد. او علاوه بر آموزش آواز در هنرستان در سال‌های پیش از انقلاب، چند گروه آواز جمعی برای هنرستان، اپرای تهران و بنیاد فرح پهلوی به وجود آورد و در اجرای ترانه‌های بومی با تنظیم همسر خود صدایی دلپذیر داشت.

اولین پس از گشایش تالار رودکی از ستاره‌های اپرای تهران محسوب می‌شد. صدایی نو در اجرای ترانه‌های بومی ایران که برخی از آنها از سوی همسر او گردآوری شده بود.

آثار مهمی که از ثمین باغچه‌بان به یادگار مانده، عبارت است از:

جریان جشن‌های دو هزار و پانصد ساله زال و رودابه به سفارش اپرای تهران در میان قطعات بومی ثمین، یک ترانه درخشش ویژه دارد: درخت سرو، همان

پیشگامان نوآوری

— من در باره آنها می‌شنیدم، اما مطمئن نبودم که واقعیت دارند یا نه. شما اکنون کشور ما را با دموکراسی‌های غربی مقایسه می‌کنید، در حالی که ما نمی‌توانستیم یک‌شنبه به چنین دموکراسی‌هایی دست پیدا کنیم. تربیت مردم برای شرکت در امور سیاسی زمان می‌برد. ما فیلم ساختیم، کتاب چاپ کردیم و کتابخانه درست کردیم. ما به دورترین نقاط ایران با الاغ و جیب کتاب بردیم. شما باید در باره انسان‌ها با دقت و تیزبینانه قضاوت کنید، در باره جنبه‌های مثبت یا منفی آنها. من فکر می‌کنم که در زندگی همسر من جنبه مثبت آن به مراتب بیشتر از جنبه منفی است.

● **فکر می‌کنید همسران می‌بایست با قاطعیت بیشتری در برابر شورش‌ها می‌ایستاد؟**

— افراد زیادی هستند که می‌گویند شاه باید شدت عمل بیشتری انجام می‌داد و شورشیان را یا به زندان می‌انداخت یا به قتل می‌رساند. اما همسر همواره می‌گفت: «من نمی‌خواهم تاج و تخت‌ام آلوده به خون هم‌میهن‌انم باشد» و غرب از شورشیان دفاع می‌کرد.

درخت سرو بودم ...

اولین باغچه‌بان به زودی به شهره‌ترین خواننده موسیقی بین‌المللی تبدیل شد. او علاوه بر آموزش آواز در هنرستان در سال‌های پیش از انقلاب، چند گروه آواز جمعی برای هنرستان، اپرای تهران و بنیاد فرح پهلوی به وجود آورد و در اجرای ترانه‌های بومی با تنظیم همسر خود صدایی دلپذیر داشت.

اولین پس از گشایش تالار رودکی از ستاره‌های اپرای تهران محسوب می‌شد. صدایی نو در اجرای ترانه‌های بومی ایران که برخی از آنها از سوی همسر او گردآوری شده بود.

آثار مهمی که از ثمین باغچه‌بان به یادگار مانده، عبارت است از:

جریان جشن‌های دو هزار و پانصد ساله زال و رودابه به سفارش اپرای تهران در میان قطعات بومی ثمین، یک ترانه درخشش ویژه دارد: درخت سرو، همان

رامین جهاننگلو: دنیای ما محتاج عقل سلیم است



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

رامین جهاننگلو فیلسوف و نویسنده ایرانی که در ضمن مدیریت «مرکز صلح شناسی مهاتما گاندی» در دانشگاه جیندال دهلی نو را برعهده دارد هفته پیش برای ایراد سخنرانی در دانشگاه لندن و کتابخانه مطالعات ایرانی به انگلستان سفر کرد. جهاننگلو تا کنون ۲۹ کتاب به زبان‌های انگلیسی و فارسی در زمینه فلسفه، فرهنگ و سیاست به رشته تحریر درآورده است. انتشار آثار تازه

دوران دربردی‌ها حضور روحیه‌بخشی داشت و همواره با فروتنی و مهربانی، همدردی و همراهی می‌کرد از احترام بسیاری نیز در بین خانواده‌های زندانیان برخوردار بود. این انسان شریف و هنرمند استاد، سرانجام پس از شنیدن خبر اعدام و سردار شدن پسر برومندش، دچار حمله قلبی شد و چهل روز بعد در سن ۵۵ سالگی چشم بر این جهان فروبست و برای «ملاقات» با فرزند نازنین‌اش به سوی سرای باقی شتافت. همسر هنرمند و دردمندش این سروده ماندگار را برای سنگ قبر وی انتخاب کرد:

از صفحه ۶

هنرمند مردمی که با وجود داشتن غمی بزرگ و نهان در دل، سال‌ها خنده بر لب‌های مردم نشانده. فرزند او مسعود مقبلی از فعالین مجاهدین خلق بود که از سال شصت در حبس بود و پس از گذراندن هفت سال زندان در تهران، در آستانه اتمام محکومیت‌اش، توسط کمیسیون مرگ در تابستان تبار ۶۷ سپردار شد. این پدر داغدار در آخرین روزهای حیات گفته بود: سی سال تلاش کردم دل مردم را شاد کنم اما خمینی قلبم را آتش زد.

آقای عزت‌الله مقبلی که همیشه در جمع خانواده‌های زندانیان در روزهای ملاقات و مقابل زندان‌ها و

● مرکز صلح‌شناسی مهاتما گاندی را در پاییز ۲۰۱۶ پایه‌گذاری کردم که وظیفه اصلی‌اش اشاعه مبحث عدم خشونت و صلح در جهان است.

● جنبش جدیدی به نام «دانشجویان برای صلح» ایجاد کرده‌ایم که در اطراف و اکناف جهان کارگاه‌هایی برای اشاعه صلح برگزار خواهد کرد.

● برای کسانی که برای داعش عملیات انتحاری انجام می‌دهند مقوله‌ای به نام بشریت معنایی ندارد.

● فکر نمی‌کنم ما به سادگی بتوانیم روزی صاحب یک گاندی (رهبر مبارزات مدنی عاری از خشونت) در ایران شویم.

● در جامعه ای که قتل میدان کاج اتفاق می‌افتد، مردم سر هم کلاه می‌گذارند، به هم دروغ می‌گویند، خشونت خانگی علیه زنان و کودکان وجود دارد، این جامعه برای دموکراسی آمادگی ندارد.

شکلات خارجی در ...

درخت سرو بودم ...

از صفحه ۵

جهان پس از دیدار با تهرانی با حیرت گفته بود: عجیب است کاری که این مرد با پوست کشیده بر چوبی می‌کند از عهده من با دوازده تا طبل کوچک و بزرگ بر نمی‌آید!

روایت دیگر می‌گوید که یک موسیقیدان روس پس از شنیدن تنبک تهرانی آن را برداشته درونش را خوب نگاه می‌کند ببیند یک ریتم ساز برقی در آن کار نگذاشته باشند. خوشبختانه کوشش‌های تهرانی از میان نرفت و شاگردان برجسته‌اش، در صدر آنها محمد اسماعیلی راه او را پی گرفتند.

درخشش امروز تنبک و دیگر سازهای کوبه‌ای را که باید جداگانه درباره آنها صحبت کرد برخاسته از نیروی جوانی است که به کوبه‌ای‌ها روی آورده و همه رو به سوی کمال دارند. بعضی از آنها را در برون‌مرز می‌بینیم. برای نمونه محمدرضا مرضوی و سامانی‌ها که هر بار ساز کوبه‌ای تازه‌ای را به کار می‌برند و ریتم‌های برانگیزاننده و تازه‌ای را معرفی می‌کنند.

مخمل مهتاب

غلامحسین بنان نیز بی‌جهت نام‌آور نشده است. او هنگامی بر جایگاه آوازخوانی نشست که بنیادگراها رمق ردیف را کشیده بودند و از بام تا شام ردیف آقا حسینقلی را تکرار می‌کردند، با آنکه تعداد خوانندگان سنتی بیش از حد لازم بود و همه معلمان ردیف هم رفته رفته به خواننده تبدیل می‌شدند. همه امید



ساختار جمهوری اسلامی که به دنبال یک جنگ هستند تا از قدرت و ایدئولوژی خود دفاع کرده و آن را حفظ کنند، می‌توان نتیجه گرفت احتمال قدرت گرفتن تندروها و طرفداران این نگاه نظامی، بالاست. لحن صحبت‌های دونالد ترامپ برای این گروه یک هدیه محسوب می‌شود و فارغ از اینکه او چه می‌کند این گروه برداشته‌های خود را ارائه کرده و از آن بهره‌برداری می‌کند.

امکان شکست روحانی در انتخابات بالاست

جهانبگلو همچنین بر این باور است که «حسن روحانی در این دوره از انتخابات پیروز نخواهد شد و نیروهای تندرو، دیگر نیازی به استفاده از او برای اجرای سیاست‌های نظام ندارند. آنها به این دوره از ریاست جمهوری در جنبه‌های داخلی و خارجی نیاز داشتند که اتفاقاً به هدف‌های خود در این دو بخش نیز رسیده‌اند. ایران در این مسیر بیشتر به سوی پاکستانی شدن می‌رود و شما شاهد قدرت گرفتن توسط نیروهای ارتش اسلامی خواهید بود. وقتی یکی مانند محسن رضایی به عنوان یکی از فرماندهان سپاه پاسداران می‌گوید ما روزهای سختی را در رابطه‌ی میان ایران و آمریکا شاهد خواهیم بود به نوعی آن را آمادگی برای مقابله و مواجهه‌ی دو کشور می‌توان دانست. در شرایطی که امکان ایجاد یک تعادل در کشورهای منطقه وجود ندارد افزایش این تنش‌ها می‌تواند به یک جنگ با مجموع صفر بدل شود. در این شرایط که دیگر مذاکره ممکن نیست ظهور نیرویی از سپاه پاسداران که قدرت را در ایران به دست بگیرد دور از ذهن نیست.»

جهانبگلو در بخشی دیگر از سخنان خود با اشاره به اینکه احتمال لغو برجام یا تضعیف آن با تشدید تحریم‌های غیرهسته‌ای وجود دارد و از سوی دیگر گزینه نظامی مجددا مطرح می‌شود، به امکان انتخاب مجدد روحانی بازگشت و گفت: «روحانی در برابر این گزینه‌ها برنامه مشخصی نخواهد داشت و نمی‌تواند کارکرد مناسبی داشته باشد. اگر تحریم‌ها به صورتی که می‌گویند باز هم فلج‌کننده اجرا شوند روحانی چه برنامه‌ای دارد؟ اگر گزینه نظامی اجرا شود روحانی چگونه می‌خواهد آن را مدیریت و رهبری کند؟ سپاه پاسداران هیچ نیازی به روحانی ندارد و می‌تواند خودش قدرت را در دست بگیرد. سوی دیگر ماجرا را هم باید دید که همین امروز هم روحانی تصمیم‌گیرنده نهایی نیست بنابراین در چنین شرایطی که اوضاع به سمت بحرانی‌تر شدن می‌رود چرا یکی از سپاهیان پاسدار مستقیماً قدرت را در دست نداشته باشد؟»

این استاد علوم سیاسی دانشگاه تورنتو به رابطه راهبردی و اتحاد میان ایران و روسیه نیز اشاره کرد که می‌تواند در منطقه بی‌ثبات خاورمیانه منافع هر دو را تامین کند. وی ادامه داد: «باید توجه داشت که پوتین طرفدار نظام ایران نیست و شاید بهتر باشد بگوییم او جز خودش، طرفدار هیچ کسی نیست. با این حال به نظر می‌رسد روسیه می‌خواهد به صورت کاملاً کنترل شده توسط خودش، ایران قدرت بیشتری به دست بیاورد. این در شرایطی است که قدرت گرفتن نیرویی که تنها به گزینه نظامی برای حل معادلات پیش رو می‌اندیشد می‌تواند یک اتفاق خطرناک محسوب شود.»

جهانبگلو بر اساس گزاره‌های مطرح شده در سخنرانی خود نتیجه‌گیری کرد که «با وجود بسیاری از چهره‌های سیاسی در

سپاه پس از رفسنجانی به دنبال قدرت انحصاری است



حسن روحانی است. البته در همین هفته‌های گذشته نگاهی به تندتر شدن لحن او و ظریف، داشته باشید. با اینکه خودشان آن را لحنی ملی‌گرایانه عنوان می‌کنند اما مرزی مشخص بین افراط و ملی‌گرایی وجود دارد. از دید من این تنها برای برقراری همان تعادلی است که پیشتر به آن اشاره کردم.»

او همچنین با اشاره به محدودیت قدرت روحانی توسط ولی فقیه و نهادهای وابسته به آن، به مطالب روزنامه‌های منتشر شده در خارج از

این مسئولیت را برعهده خواهد داشت تا به عنوان نماینده جمهوری اسلامی معرفی شود. به باور من رفسنجانی در حالی درگذشت که ما با یک خاورمیانه جدید روبرو هستیم. خاورمیانه‌ای که تحت تاثیر انتخاب ترامپ قرار دارد و مشکلات حل نشدنی بسیاری را شاهد است. در چنین شرایطی شما نیازمند گفتگوهای سیاسی هستید حالا شما به آن سوی میدان هم نگاه کنید که بسیاری از حاکمان کشورهای عربی منطقه با ساختار



ایران اشاره کرد و گفت: «شما وقتی به بیشتر این مطالب نگاه می‌کنید در موضوعات کاملاً روزانه و البته به سطح نگاه می‌شود. صفحه‌های بسیاری در این مدت پیرامون روحانی، رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی و کروبی و... مطالبی را منتشر کرده‌اند اما کمتر مطالبی در مورد سپاه پاسداران به نگارش درآمده است. نهادی که به باور من بازیگر اول سیاست داخلی، اقتصاد، سیاست خارجی و هر اتفاق نظامی که در آینده محتمل است خواهد بود.»

سپاه به سمت یک‌دست کردن قدرت حرکت خواهد کرد

این مسئولیت را برعهده خواهد داشت تا به عنوان نماینده جمهوری اسلامی معرفی شود. به باور من رفسنجانی در حالی درگذشت که ما با یک خاورمیانه جدید روبرو هستیم. خاورمیانه‌ای که تحت تاثیر انتخاب ترامپ قرار دارد و مشکلات حل نشدنی بسیاری را شاهد است. در چنین شرایطی شما نیازمند گفتگوهای سیاسی هستید حالا شما به آن سوی میدان هم نگاه کنید که بسیاری از حاکمان کشورهای عربی منطقه با ساختار

ایران اشاره کرد و گفت: «شما وقتی به بیشتر این مطالب نگاه می‌کنید در موضوعات کاملاً روزانه و البته به سطح نگاه می‌شود. صفحه‌های بسیاری در این مدت پیرامون روحانی، رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی و کروبی و... مطالبی را منتشر کرده‌اند اما کمتر مطالبی در مورد سپاه پاسداران به نگارش درآمده است. نهادی که به باور من بازیگر اول سیاست داخلی، اقتصاد، سیاست خارجی و هر اتفاق نظامی که در آینده محتمل است خواهد بود.»

ناراد و در ادامه گفت: «حالا با نبود هاشمی رفسنجانی روند انتخاب جانشین آیت‌الله خامنه‌ای با چالش روبرو می‌شود. در واقع باید به این موضوع توجه کرد چه کسی حالا می‌تواند به عنوان جایگزین هاشمی امکان و توانایی ارزش‌گذاری و حتی پرسشگری از نظام مذهبی موجود را داشته باشد. دومین جنبه‌ای که باید به آن توجه شود مربوط به ساختار خود نظام است؛ بسیاری از نهادهای نظامی و سیاسی کشور همچون برخی فرماندهان سپاه پاسداران و مجمع تشخیص مصلحت نظام با وجود رفسنجانی و یا افراد نزدیک به او در این سال‌ها فعالیت داشتند. حالا سوال اینجاست بدون هاشمی رفسنجانی چه اتفاقی خواهد افتاد؟ شاید بگویید نسل جوان‌تر هم همین توانایی را دارند اما من چنین اطمینانی را ندارم و ساختاری همچون سپاه پاسداران در نبود هاشمی رفسنجانی امکان تبدیل شدن به یک قدرت انحصاری در سیاست و اقتصاد ایران را دارد.»

روحانی نمی‌تواند جای خالی رفسنجانی را پر کند

جهانبگلو در ادامه به ظرفیت روحانی برای جانشینی رفسنجانی در این وضعیت اشاره کرد و گفت: «به باور من او توانایی هدایت تمام این نیروهایی که به هر شکلی با رفسنجانی رابطه داشتند را ندارد. در چنین شرایطی نیروهای مخالف روحانی حتی می‌توانند قدرت را به طور کامل در دست خود بگیرند و کشور را به سوی تندروی هدایت کنند.»

او با اشاره به احتمال ظهور نیروهای تندرو در ایران به موضوع مذاکره با غرب اشاره کرد و ادامه داد: «در شرایطی که بحران‌ها در منطقه و جهان در حال افزایش است، باید نگاه کرد که در صورت نبود نیروهای میانه‌رو چه کسی

● سپاه پاسداران در نبود هاشمی امکان تبدیل شدن به یک قدرت انحصاری در سیاست و اقتصاد ایران را دارد.

● حسن روحانی در این دوره از انتخابات پیروز نخواهد شد و نیروهای تندرو نیازی به او برای اجرای سیاست‌های نظام ندارند.

● همین امروز هم روحانی تصمیم‌گیرنده نهایی نیست بنابراین در چنین شرایطی که اوضاع به سمت بحرانی‌تر شدن می‌رود چرا یکی از سپاهیان پاسدار مستقیماً قدرت را در دست نداشته باشد!

کامیار به‌رنگ - هفته گذشته رامین جهانبگلو، اندیشمند و استاد علوم سیاسی دانشگاه تورنتو به دعوت مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه ساساس با موضوع «ایران پس از رفسنجانی» سخنرانی کرد. او در ابتدای سخنرانی خود با اشاره به فضای سیاسی ایران پس از مرگ اکبر هاشمی رفسنجانی گفت: «از عنوان سخنرانی من مشخص است که امروز نمی‌خواهم در مورد شخص رفسنجانی سخن بگویم و بیشتر تلاش خواهم که در مورد آینده سیاست ایران در این دوران صحبت کنم. اما نمی‌توان بدون اشاره به جایگاه او از این دوران گذر کرد. شاید او را بتوان نماد «ماکیاولیسم ایرانی» نامید. در این دید شما به تجربه‌های سیاسی بیشتر از ایدئولوژی‌های خود و نظام اولویت می‌دهید.» جهانبگلو در این زمینه تاکید کرد که هاشمی به روی کار آمدن اصلاح‌طلبان و تغییر فضای رابطه با غرب کمک بسیاری کرد.

این استاد علوم سیاسی گفت: «البته نباید فراموش کنیم با اینکه همیشه در مورد قدرت او صحبت می‌شود اما او به عنوان یک فرد فاسد هم شناخته می‌شد. او در قتل بسیاری از سیاستمداران و نویسندگان در داخل و خارج کشور متهم بود.»

تعادل درونی نظام بر هم خورده است

جهانبگلو قدرت رفسنجانی در زمان حیات‌اش را برآمده از وجود شبکه‌ی پیرامون او دانست و گفت: «او در هر گوشه از سیاست ایران افراد پرنفوذی را کنار خود داشت و به همین شکل چه در دوران ریاست جمهوری خود و تا حدودی در دوران خاتمی می‌توانست وزنه‌ای برای توازن قدرت باشد. این توازن و تعادل امروز به طور مشخص در حال از دست رفتن است؛ در کاخ سفید حالا فردی به نام ترامپ نشسته است و در دیگر کشورهای جهان هم احتمال به قدرت رسیدن نیروهای عوام‌گرایی دیگری وجود دارد. من وقتی از تعادل صحبت می‌کنم تنها در محدوده ایران نبود و این موضوع را با نگاهی به منطقه و در دیدی وسیع‌تر جهانی می‌بینم. شما به ترکیه نگاه کنید، کشوری که ما به عنوان معتدل‌ترین کشور اسلامی می‌شناختیم با از دست دادن تعادل در سیاست خود امروز تبدیل به کشوری شده که آینده آن مشخص نیست.»

این نویسنده و استاد دانشگاه، نبود رفسنجانی در فضای سیاسی موجود در ایران را یک «خلاء» دانست که به راحتی امکان پر شدن آن وجود